

پیام سندیکا



شماره ۴۶

سال ششم / اردیبهشت

نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

اول ماه مه بر همه اهالی زحمت خسته باد! ص

شعر اول مه ص ۳

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۴

سوال از کوشندگان سندیکایی راجع به مهمترین خواسته های جنبش کارگری ص ۱۸

گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا از واحد های تولیدی ایران ص ۳۱

مصاحبه ایلنا با عبدالله وطنخواه کارگر فلز کار ص ۴۲

مصاحبه ایلنا با دبیر انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز ص ۴۴

کارگران و سندیکا ص ۴۷

منابع سازمان تامین اجتماعی چگونه تامین میشود؟ ص ۴۹

رفتار تماشاگر بودن ص ۵۰

سازمان مردم نهاد واقعی چیست؟ ص ۵۲

مبانی حقوقی سندیکاهای کارگری ص ۵۳

دستمزد ما کارگران ص ۵۵

بحران آب ص ۵۷

جالبترین طنز انتخاباتی این دوره ص ۵۷

خطرناکترین کار روی زمین ص ۵۸

داستان همیشگی زندگی کارگران جوان ص ۵۹

از زنانی که محدودیت ها را کنار می زنند بیاموزیم!! ص ۶۰

کوشندگان تا به آخر استوار ص ۶۳

پیکر ها بر خاک، آرمان ها بر پاست ص ۷۰

مهری گیلک پور، کوشنده سندیکایی و حقوق زنان کارگر ص ۷۰

پیام سندیکا

ماهنامه خبری - تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
سندیکای کارگران نقاش و تزیینات
سندیکای کارگران بنا
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmail.com



اول ماه مه بر همه اهالی زحمت خجسته باد!

اول ماه مه ۱۸۸۶. شیکاگو غرق در خون، به جرم بیگناهی. به جرم احقاق حق خواهی. که خود کم گناهی نیست. جرم کارگر شعار اوست:

شعار اتحاد: یعنی با هم بودن، در کنار هم بودن. ایجاد سندیکا‌های کارگری و با سازماندهی سندیکاق خود را گرفتن.

شعار آزادی: یعنی رهایی و حریت، نه حقارت.

شعار سعادت: یعنی دستمزد به اندازه زحمت.

شعار عدالت: یعنی بهره مندی صحیح و عادلانه ملت از ثروت ملی.

شعار برابری: یعنی، نه به ثروت اقلیت و نه به فقر مطلق اکثریت.

شعار نان: یعنی آفرینندگان ثروت نباید خود گرسنه بمانند.

شعار مسکن: یعنی برچیدن حلبی آبادها و کاخها و ویلاهای چندهکتاری. یعنی پایان کارتن خوابی.

جرم کارگران این است و به این جرم ها افتخار می کنند.

آری این شعارهاست که خواب از چشمان سرمایه داری ربوده است، و هر روز با وضع قوانین جدید ضد کارگری قصد ایجاد موانع بر سر راه رو به جلوی کارگران را دارند. آن هم با پشتیبانی نظامهای ضد کارگری. اینان از آگاهی و تشکل نفرت دارند. هر وسیله و ابزاری که کاربرد کارگری داشته باشد، برایشان خطرناک و سعی در نابودیش دارند.

اینان از اسامی هم هراس دارند، از جمله اول ماه مه، از روز جهانی کارگر، که مواقع ناچاری روز جهانی کارش می خوانند. اسامی مورد علاقه آنان کار

است و سود و بهره و ارزش افزوده. تمام ارزشهای انسانی باید جلوی پای آنها ذبح گردد تا آسیبی به مسیر ثروت اندوزی آنها وارد نشود.

دمکراسی را برای انتخاب خود و اعوان و انصارشان می خواهند. آزادی را، بهره کشی و استثمار و بی قانونی برای خود تفسیر می کنند. حقوق بشر را دستمایه تجاوز و جنگ و نابودی ملت ها قرار می دهند.

اول ماه مه روز مبارزه علیه بی عدالتی ها و همبستگی جهانی زنان و مردان در عرصه کار و بیکار است.

این روز به مو سفیدان سندیکا‌های کارگری، بازنشستگان، کارگران بیکار و شاغل، پرستاران، آموزگاران، وکلای شجاعی که پرونده کارگران را رایگان می پذیرند، زنان سرپرست خانوار، زنان خانه دار، دختران قالیباف، دختران خیابانی که بخاطر فقر تن فروش شده اند، کارگرانی که فقر آنان را وادار به قاچاق و فروش مواد کرده است، دستفروشان که روزی کار داشتند، زحمتکشانی که به دلیل فقر کلیه فروش شده اند؛ کودکان فال فروش-گل فروش- نان خشکی ها، کارگران اعتصابی و حقوق عقب افتاده، کوشنده گان کارگری و صنفی و اجتماعی زندانی، کارگران سندیکایی و در یک کلام همه مزدبگیران خجسته باد.

یار محمد اکبری عضو تحریریه پیام سندیکا





اول مه

اول مه روز عید کارگر فرخنده باد
یک چنین فرخنده روزی تا ابد پاینده باد
پرچم پیروزی زحمتکشان در اهتزاز
دولت اقبالشان مانند خور تابنده باد
کارگر، دهقان، معلم، کارمند بر تو درود
روزتان خوش، کامتان شاد، عیدتان فرخنده باد
ابر و باد و ماه و خورشید و فلک در این جهان
جمله از بازوی زحمت مثمر و سازنده باد
می دهد فرخنده روز اول مه این پیام
کارگرها اتحاد و رزمتمان بالنده باد
عرض و تبریک و درودی اندر این عید سعید
سر فرازیتان فزون لب هایتان پرخنده باد
جان ناقابل فدای راه و پیروزی تان
رزمتمان از عزم و تدبیر و خرد آکنده باد

محمدحسین خوان یغما عضو هیات مدیره دهه ۴۰ سندیکای فلزکارمکانیک

روز کارگر و معلم خجسته باد!

اول ماه مه ، روز کارگر، یادآور ۱۳۰ سال تلاش برای زندگی بهتر و انسانی است. اول ماه مه ۱۸۸۶ در اعتراض به ساعات کار زیاد باعث اعتصاب کارگران شیکاگو گردید و متأسفانه پلیس سرمایه داری با آتش گشودن به روی کارگران و سپس دستگیری رهبران آنها به جرم اخلاص پس از محاکمه ای فرمایشی ۵ تن از آنان را اعدام کرد. خون این برادران کارگر پرچمی شد که هنوز هم از دوش کوشندگان کارگری به زمین گذاشته نشده است.

اسپایز قهرمان در مقابل طناب دار اعلام کرد: « صدایی که امروز می خواهید خاموش کنید روزی در جهان طنین انداز خواهد شد»

۱۳۰ سال از این واقعه می گذرد و هنوز زحمتکشان در سرتاسر جهان خواستار ۸ ساعت کار با مزدی مناسب، حق داشتن اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی علیه ظلم سرمایه داری، و مصونیت کوشندگان کارگری از هرگونه مداخله پلیس سیاسی در اعتراضات کارگری را خواستارند. اکنون سالهاست که در کشور ما کوشندگان کارگری و صنفی را به زندان می اندازند آن هم به جرم برهم زدن نظم عمومی و امنیت . ما می پرسیم اگر ما مزد مناسبی را برای گذاران خانواده های خود بخواهیم ، امنیت چه کسانی را به خطر می اندازیم؟ چرا نباید راهپیمایی روز کارگر در کشوری که ادعای طرفداری از کارگران را دارد آزاد باشد؟ و حتا گماشتگان کارگری این نظام هم از این راهپیمایی محروم باشند؟

مگر کارگران در این راهپیمایی ها چه چیزی را اعلام می کنند؟

آیا خواستن افشای دریافتی وام های هیات مدیره ها و مدیران تامین اجتماعی که هر روز فریاد مسوولینش بلند است که این سازمان ورشکسته است، امنیت چه کسانی را به خطر می اندازد؟

دادگستری خوزستان بر مبنای کدام اصل قانون اساسی اعتراض کارگران به اجحافات پیمانکاران را ممنوع و کارگران را به زندان می اندازد، را خواستن نظم کدام سیستم را برهم خواهد زد؟

آیا خواستن دستمزدی که در قانون کار و قانون اساسی به آن اشاره شده تا شهروندان زحمتکش مانند انسان زندگی کنند، چرا باید به مذاق دولت و بخصوص وزیر کار خوش نیاید؟ و وزیر کار با کارفرمایان همدست شوند برای تصویب ۸۱۱ هزار تومان دستمزد در ماه؟ آیا وزیر صنعت، رئیس بانک مرکزی، وزیر اقتصاد، وزیر کار می توانند با این حقوق زندگی خانواده اشان را تامین کنند که ما بتوانیم؟ و اگر اعتراض کنیم جایمان گوشه زندان به دستور رئیس دادگستری خوزستان باشد؟

ما مصرأ می خواهیم که دادگستری اعلام کند کوشش های کارگری ابراهیم مددی، داوود رضوی، اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، بهشتی لنگرودی، محمد جراحی، جعفر عظیم زاده امنیت چه کسانی را به خطر انداخته است؟

اختلاس های هرروزه، که باعث گرانی و تورم و بیکاری شده است را چه کسانی باید مراقبت کنند تا اتفاق نیفتد؟ آیا مسوولین قصور کرده را به دادگستری نباید فرا خواند؟ یا آنان را فقط گماشته اند که کارگران را مراقبت کنند تا دزدان اصلی یا به کانادا فرار کنند و یا مانند بابک زنجانی آنقدر بدزد که حسابش از دست همه خارج باشد؟

حقوق های ما ماهها به عقب می افتد و کسی به این آقایان نمی تواند حتا اعتراض کند. اعتراض یعنی بیکاری و در لیست سیاه قرار گرفتن. آیا مامورینی که کارگران را می پایند، در قانون اساسی به آنان این وظیفه داده نشده که به این موضوع رسیدگی کنند؟ یا این پرداخت نکردن حقوق صدها هزار کارگر و خانواده هایشان جزو به خطر انداختن امنیت ملی و برهم زدن نظم نیست؟

هر روز به ۴۵ هزار تومان یارانه ی که ماهانه به زحمتکشان داده می شود، دستبرد زده و عده ای را از آن محروم می کنند. طراری گفته بود که زحمتکشان می توانند با جمع آوری این پول به مسافرت بروند!!! و زندگیشان مرفه خواهد شد. آیا گوینده این سخنان را به دلیل ورشکسته کردن اقتصاد و گردن نهادن به دستورات صندوق بین المللی پول نباید مجازات و زندانی کرد؟

امنیت شغلی و روحی و روانی خانواده های کارگران که با دستورات بانک جهانی با قراردادهای موقت و پیمانی و روزمزد هر روز به تاراج می رود ، را چه کسی پاسخگوست؟

روز کارگر است و ما هم بر امنیت ملی امان پافشاری می کنیم. ما نیز نمی خواهیم نظم عمومی کشورمان مختل شود. به همین دلیل از مسوولین حکومتی می خواهیم، آنانی که با واردات کالا صنعت ما را نابود کرده اند و اختلاس و رشوه خواری را گسترش می دهند ، برخورد قاطع کنند. کارفرمایانی که کارخانه ها را رها کرده و به دنبال دلالی رفته اند را به زندان محکوم کنند و این واحدها را به کارگران بسپارند. هیات مدیره های بی لیاقت سازمان تامین اجتماعی و دیگر نهاد ها را خلع کرده و مدیریتش را به کارگران بدهند.

خواهران و برادران زحمتکش،

برج زیبای میلاد با دستان زمخت ما سر به آسمان می ساید، درآمد ارزی نفت با دستان سیاه و پشت خمیده ما وارد کشور می شود، طلا بر سینه ثروتمندان با دستان چروکیده ما از اعماق زمین بیرون آورده می شود، دانایی با نابودی روح و جسم آموزگاران تولید می شود، تندرستی با بی خوابی پرستاران به جامعه دمیده می شود، تکه های آهن توسط ما به خودرویی زیبا تبدیل می شود و در یک کلمه اگر زحمتکشان نباشند تولید نیست و اگر تولیدی نباشد ثروتی نیست .

کوشندگان کارگری،

ما بارها با اتحاد خود ثابت کرده ایم که در هر بحرانی این ماییم که پیروزیم. سرمایه داری برای بردن ثروت ما و برده کردن فرزندانمان تلاش می کند. به میان کارگران برویم و هم نفس و همگام با آنان علیه بی عدالتی و بی قانونی اعتراض کنیم. ما راهی جز اتحاد نداریم.

زحمتکشان در سندیکاهای کارگری گرد هم آییم و نقشه شوم صندوق بین المللی پول برای به خدمت گرفتن کارگران ارزان و مطیع را بر هم زنیم.

آینده متعلق به زحمتکشان است و اتحاد رمز پیروزی است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

انجمن صنفی صنعتگران عسلویه

۱۳۹۵/۲/۹

اطلاعیه زیر از طرف هیات موسس سندیکای کارگران نقاش تهران به دست ما رسیده است که منتشر می‌کنیم:

بیانیه ی به مناسبت روز جهانی کارگر

اول ماه مه ، روز جهانی کارگر را درشرایطی ارج می‌گذاریم که از یک سو، معیشت کارگران روزبه روز در معرض تهدیدهای جدی بیکاری، گرانی و فقر گسترده و لجام گسیخته قرار گرفته است و از سوی دیگرخواست های کارگران به اعتراض های اجتماعی تبدیل شده و ابعاد گسترده ای یافته است.

بی اعتنایی و سرکوب خواست های طبقه ی کارگر، پاک کردن صورت مساله است. ما به عنوان کارگران نقاش ساختمان ، از خواست های برحق کارگران و هم طبقه خود حول محورهای افزایش دستمزد برابر با استانداردهای زندگی انسانی، آزادی تشکل های مستقل و نیز از آزادی کوشندگان و رهبران زندانی کارگران پشتیبانی می‌کنیم. خواست های خود را در اتحاد می‌دانیم ما به عنوان کارگران فصلی، بیمه بیکاری را حق خود می‌دانیم.

ما کارگران نقاش امسال را بدون شاهرخ زمانی روز کارگر را خواهیم گذارند. راهش را ادامه خواهیم داد. شاهرخ زمانی همیشه خواهان اتحاد بود و ما هم خواهان اتحاد هستیم

هیت بازگشایی سندیکا کارگران نقاش ساختمان و تزیینات

اردیبهشت ۱۳۹۵

دستمزدی حقیر چون تعیین کنندگان آن

شورای عالی کار، متشکل از (دولت، کارفرمایان و نمایندگان به اصطلاح کارگری) با تصویب ۸۱۱ هزار تومان دستمزد ماهیانه برای گذران زندگی خانواده های کارگری، حقارت شخصیتی و مرامی خود را در مقابل خانواده های زحمتکش به نمایش گذاشتند. نمایندگان شوراهای اسلامی کار با همدستی عضو شورای مرکزی خانه کارگر، آقای علی ربیعی وزیر کار، نشان دادند که بهتر از هر کارفرمایی می توانند حقوق کارگران را ضایع کنند.

مرکز پژوهش های مجلس خط فقر را ۲ میلیون ۳۰۰ هزار تومان و خانه کارگر در محاسبات سبد معیشتی خود در سال ۹۲ با اعلام ۵۷۰۰۰ تومان دستمزد روزانه یک کارگر برای گذران زندگی، خط فقر را یک میلیون ۷۰۰ هزار تومان برآورد کرده بودند. حال چگونه ۸۱۱ هزار تومان را برای گذران یک خانواده ۴ نفره کارگری برای سال ۹۵ شورای عالی دستمزد مصوب نموده است؟

از مدتها پیش اعلام کردیم که دولت و بخصوص وزارت کار با رویکردی سرمایه سالارانه و با شعار حمایت از سرمایه گذاری با اجرای دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، سیاست آماده نمودن کارگر ارزان و حذف قوانین حمایتی از کارگران را در دستور روز خود قرار داده است. در برنامه ششم توسعه سن بازنشستگی به ۶۵ افزایش یافت و در ماده دیگری دستمزد کارگران زیر ۲۹ سال را ۷۵ درصد حداقل حقوق در نظر گرفته بود که با امواج اعتراضات کارگری مجبور به حذف این مواد از برنامه توسعه ششم شد. به همین دلیل می بینیم که دستمزد ۸۱۱ هزار تومانی را برای کارگران در نظر می گیرند تا به دستورات صندوق بین المللی پول و سازمات تجارت جهانی آری گفته باشند.

در مذاکراتی که بین صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی از یک طرف و وزیر صنعت و اقتصاد از طرف دیگر در این سالها صورت گرفته و کارگران از آن بی خبرند، این دو نهاد سرمایه داری، خشنودی خود را از

عملکرد ایران در راستای دستورات داده شده، اعلام نموده اند. به همین خاطر است که در شورای عالی دستمزد این چنین خانواده های کارگری محکوم به گرسنگی بیشتر می شوند. چگونه ممکن است حقوق زحمتکشان ۱۴ درصد افزایش یابد اما حقوق وزرا، وکلای مجلس، مدیران عالی رتبه در سال آینده چند برابر افزایش یابد؟ چه فرقی بین خانواده آقای وزیرکار رفاه و تامین اجتماعی، با خانواده های کارگران شاغل در پارس جنوبی، هفت تپه، اتوبوسرانی، ایران خودرو است؟ اگر با ۸۱۱ هزار تومان می توان زندگی کرد، لطف کنید حقوق ماهیانه وزیرکار، اقتصاد، صنعت و معاونین شان را در سال ۹۵ اعلام کنید تا زحمتکشان بدانند چند صد برابر با خانواده های این آقایان فاصله دارند و چه مزیتی، حقوق این آقایان و خانواده هایشان را چند صد برابر از خانواده های کارگری متمایز کرده است؟

می گویند اقتصاد صنعتی توان پرداخت بیش از این دستمزد را به کارگران ندارد. ما می پرسیم سود سالیانه کارخانه های خوردرو سازی، صنعت نفت، پتروشیمی ها، و سود تجار لانه کرده در دولت در دهسال اخیر چقدر بوده است؟ که توان پرداخت ندارند؟ نفت دوسالی است که به زیر ۵۰ دلار رسیده و در مابقی سالها بیش از ۱۰۰ دلار فروخته شده است، سودش به جیب چه کسانی رفته است؟ سود محصولات پتروشیمی به جیب کدام پدرخوانده ای ریخته شده که امروز در صنایع نفت و پتروشیمی ها کارگران بیش از سه ماه حقوق طلبکارند؟ گرانی و تورم حاصل کدام سیاست گذاری های غلط بوده است؟ چه کسانی مقصر روند کنونی بحران در کشورند؟ که باید بار این اشتباه را کارگران با گرانی و تورم از جیب خود پرداخت کنند؟

بی تردید سیاست های اشتباه و ویران کننده اقتصادی بخصوص طرح ضد ملی هدفمندی یارانه ها در بوجود آوردن گرانی و تورم نقش اصلی را بازی کرده اند.

ما پیشنهاد می کنیم اگر با ۸۱۱ هزار تومان یک خانواده چهار نفری زحمتکش می تواند زندگی کند، از سال آینده وزیرکار، وزیر اقتصاد، وزیر صنعت، و معاونین آنها به عنوان کسانی که این مصوبه را امضا کرده و این حقوق را برای گذران زندگی زحمتکشان کافی دانسته اند، کل دریافتی شان در

ماه به ۸۱۱ هزار تومان کاهش پیدا کند تا شاید آنها به اشتباه فاحش خود معترف شوند .

سندیکاهای کارگری ، انجمن های صنفی مستقل کارگری،

خواهران و برادران زحمتکش

وزارت کار و نمایندگان به اصطلاح کارگری نشان دادند که نه از مشکلات ما خبر دارند و نه برایشان زندگی خانواده های کارگری مهم است. دست به سوی هم دراز کنیم و با متحد شدن و خرد جمعی برای حل مشکلات کارگری خود چاره ای بیندیشیم. چاره کار ما اتحاد ماست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

انجمن صنفی صنعتگران عسلویه

۲۳ اسفند ۱۳۹۴

« سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.»

« سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.»

«سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان ، ورزش رایگان و همگانی،طبق قانون اساسی می کوشند.»



ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد امروز ۲۸ فروردین در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محاکمه شد.

ابراهیم مددی عضو هیئت مدیره و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد امروز ۲۸ فروردین به جرم اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و اخلاف در نظم عمومی در دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ محاکمه شد، آقای صالح نیکبخت به عنوان وکیل مدافع آقای مددی در دادگاه حضور داشتند و لایحه دفاعی را در ۹ صفحه تقدیم دادگاه کردند و اتهامات وارده به موکلشان را بی اساس و فاقد مستندات خواندند و از دادگاه درخواست تبرئه موکلشان را کردند. محاکمه آقای مددی از ساعت نه و سی دقیقه صبح آغاز شد و تا ده ونیم بپایان رسید، مددی اتهامات وارده را رد کرد و بر اساس مستندات ارائه شده توسط وکیل مدافع به دادگاه فعالیت های سندیکایی را قانونی دانسته و حق اعتراض و دادخواهی و داشتن سندیکا را حق مسلم همه ی کارگران دانسته و به هیچ عنوان اتهامات وارده را قابل قبول ندانسته، مددی در طی سالها تلاش برای ایجاد تشکیلات سندیکایی چندین بار توسط عوامل امنیتی اطلاعاتی دستگیر و به زندان و بند ۲۰۹ اوین رفته که یکبار به علت شرکت در اعتصابات سال ۱۳۸۴ رانندگان شرکت واحد در دادگاه انقلاب شعبه ۱۴ محاکمه شد و به ۳ و نیم سال حبس محکوم شد که دوران محکومیت خود را در زندان اوین بند ۳۵۰ تا آخر بدون مرخصی سپری کرد، مددی یکبار دیگر هم در دادگاه انقلاب برای فعالیت های سندیکایی توسط قاضی مقیسه به دو سال حبس محکوم شد که پس از تحمل حدود پنج ماه زندان آنهم در بدترین شرایط زندان قزلحصار از سوی دادگاه تجدید نظر تبرئه گردید و از زندان آزاد شد. لازم به توضیح است که

داود رضوی دیگر عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در ۲۳ دی ماه سال نود و چهار توسط قاضی احمد زاده با همان اتهامات وارده به آقای مددی محاکمه گردید و به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد که منتظر صدور رای دادگاه تجدید نظر می باشد. ابراهیم مددی و داود رضوی در اردیبهشت ماه سال ۹۴ در حالی که چند روز به اول ماه روز جهانی کارگر نمانده بود در منزل شخص خود در نیمه های شب توسط عوامل وزارت اطلاعات دستگیر شدند و یکسره به بند ۲۰۹ اوین منتقل شدند که بعد از ۲۲ روز بازداشت با قرار صد میلیونی از زندان اوین آزاد شدند. رضا شهابی عضو دیگر هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که بیش از ۵ سال از دوران محکومیت شش سال خود را در زندان اوین سپری کرده است و اکنون در مرخصی پزشکی بسر میبرد در بهمن ماه سال گذشته توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به یک سال حبس مجدداً توسط قاضی احمد زاده محکوم شد که در دادگاه تجدید نظر عین حکم صادره علیه شهابی تایید گردید. متأسفانه در دو سال گذشته فشار بر فعالین سندیکایی و کارگری و اعضای کانون صنفی معلمان شدت و افزایش یافته و چندین تن از فعالین کارگری و معلمان با همین اتهامات روانه زندان شده اند و حبس های سنگین گرفته اند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن اینگونه احکام صادره علیه فعالین سندیکایی و کارگری خواستار برچیده شدن فضای امنیتی و پلیسی علیه کارگران و فعالین معلمان است و خواستار آزادی همه ی کارگران و معلمان زندانی است که برای فعالیت هایی سندیکایی و کارگری در زندان می باشند و بار دیگر اعلام می کند با این فشارها و برخوردهای امنیتی و پلیسی کارگران و دیگر فعالین سندیکایی هرگز دست از خواسته های بحق خود بر نخواهند داشت و داشتن تشکیلات مستقل سندیکایی و کارگری را حق مسلم تمامی کارگران می دانند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فروردین ۹۵

نامه ی دو کنفدراسیون حمل و نقل بین المللی با بیش از ۱۸۰ میلیون عضو در جهان به دکتر حسن روحانی

به پرزیدنت حسن روحانی

کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) یک کنفدراسیون بین المللی از اتحادیه های کارگران حمل و نقل است. آی تی اف نماینده ۷۰۰ اتحادیه که بیش از ۴/۵ میلیون نفر در ۱۵۰ کشور عضو دارد می باشد و یکی از چندین کنفدراسیون اتحادیه های جهانی متحد با کنفدراسیون اتحادیه بین المللی کارگران (آی تی یو سی) می باشد.

ما بار دیگر برای شما می نویسیم و در رابطه با این موضوع که به اتحادیه های کارگری توجه کنید و به دولت شما برای بی توجهی به حقوق اساسی مندرج در پیمان نامه های کارگری آی ال او اعتراض می کنیم و خواهان پی گیری می باشیم.

در ۳۰ آوریل ۲۰۱۵ آی تی اف و آی تی یو سی مشترکا به دستگیری داود رضوی و ابراهیم مددی دونفر از اعضای سندیکای واحد وابسته به آی تی اف را که دلیلی موجه نداشته اند اشاره کردیم. ما همچنین یکبار دیگر خاطر نشان می کنیم که محمود صالحی و عثمان اسماعیلی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که در این دوره بازداشت شدند.

در همان زمان ما محتاطانه آزادی دستگیر شدگان را خیر مقدم گفتیم ، اخیرا روشن شد که در روز ۱۷ فوریه دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ تهران ، داود رضوی را به ۵ سال زندان به اتهام “اقدام علیه امنیت ملی” و مختل کردن آرامش و نظم عمومی “برای شرکت در تجمع غیرقانونی محکوم کرده است. اشاره کرده ایم که ابراهیم مددی نیز هفته بعد به همین اتهامات محاکمه خواهد شد.

ما از این فرصت استفاده می‌کنیم و صریحا تکرار کنیم که ما قاطعانه این سرکوبها را محکوم می‌کنیم، این سرکوبها بطور جدی آزادی‌های سندیکایی را به خطر می‌اندازد و مخدوش می‌کند حقوق مشروع فردی و سندیکایی این فعالین اتحادیه‌های کارگری را نادیده می‌گیرد. ما درخواست می‌کنیم به عنوان یک موضوع عاجل و ضروری به داود رضوی و ابراهیم مددی آزادیهای مدنی کامل اعطا شود تا آنها بتوانند به فعالیت اتحادیه‌ای و کارگری‌اشان بپردازند، استانداردهای کارگری و بین‌المللی متضمن این اصل می‌باشند.

ارادتمند شما استیون کاتون – دبیر کل فدراسیون جهانی حمل و نقل ITF

موج جدید سرکوب علیه اتحادیه‌های کارگری

خطاب به رییس جمهور

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (آی تی یو سی) به نمایندگی از ۱۸۰ میلیون کارگر از ۳۳۳ اتحادیه در ۱۶۲ کشور و منطقه، می‌نویسیم تا اعتراض خود را نسبت به موج اخیر آزار و سرکوب علیه رهبران اتحادیه‌های کارگری و فعالین را اعلام کنیم.

داود رضوی یکی از اعضا هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوس رانی شرکت واحد تهران و حومه (سندیکای واحد)، وابسته به کنفدراسیون حمل و نقل بین‌المللی کارگران (آی تی اف) می‌باشد در دادگاه انقلاب تهران شعبه ۲۶ محکوم به ۵ سال زندان شده است. رضوی در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۶ محاکمه شده بود. اتهامات او "تجمع و تبانی به معنی فعالیت علیه امنیت ملی و مختل کردن آرامش و نظم عمومی بوسیله شرکت در تجمع غیر قانونی" است. نایب رییس هیات مدیره سندیکای واحد، ابراهیم مددی، ۲۲ ژانویه محاکمه و با اتهام مشابه "اجتماع غیر قانونی و مختل کردن نظم عمومی و اقدام علیه منافع امنیت"

ملی" محکوم شد. سندیکای شرکت واحد در سال ۲۰۰۵ تاسیس شد. این دو نفر از اعضا همچنین بطور مداوم تحت آزار و شکنجه توسط دولت برای حق شان تشکیل اتحادیه کارگری رانندگان شرکت واحد بوده اند، حقوق بنیادینی که همه دولتها به آن احترام می گذارند و باید از آن حمایت کنند.

آی تی یو سی همچنین دستگیری ۲۸ تن از کارگران معدن مس خاتون آباد در ۸ فوریه را محکوم کرده ،جامعه بین المللی فریاد و فشار خود را تا رهایی آنها پی گیری می کند، گرچه ما مطلع هستیم که این کارگران اخیرا آزاد شده اند،اعضای اتحادیه برای هیچ و فقط برای شرکت در تظاهرات صلح آمیز برای اعتراض به وضعیت قرارداد کاری ۱۷۰ تن از کارگرانی که شغل دائمی داشتند دستگیر شدند.

آی تی یو سی بشدت مخالف محکومیت ابراهیم مددی به زندان ، همچنین ارباب ،اذیت و شکنجه علیه اتحادیه های کارگری و فعالین سازمانهای مستقل کارگری می باشد. ما از دولت ایران مصرا می خواهیم که داود رضوی ، ابراهیم مددی همه کارگران زندانی و فعالین کارگری را بدون معطلی آزاد کرده و از حقوق بنیادین کارگران برای سازماندهی اتحادیه های صنفی شان در جهت توسعه موقعیت شغلی شان در ایران حمایت کند.

دو اصل آزادی تشکلات و حق تشکل بخشی از حقوق بشر است که در میثاق (پیمان) حق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی می باشد. ایران این میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ICESC را در سال ۱۹۷۵ را امضا کرده است و بر این اساس یک تعهد قانونی بین المللی دارد، عهدنامه شماره ۸ این مقوله نامه تضمین می کند:

الف- حق هر انسانی است که اتحادیه صنفی خود را تشکیل دهد و به اتحادیه ای که انتخاب کرده بپیوندد. موضوع فقط علاقمندی به قوانین سازمان ، برای پیشرفت و حمایت از اقتصادشان و علاقمندیهای اجتماعی است

ب- حق تشکیل سندیکا اصلی است باید آزادانه باشد که به هیچ وجه نمیتوان آنرا محدود کرد و باید از آن محافظت شود در رابطه با دیگر حقوق و آزادیها

بعلاوه ایران بعنوان عضوی از سازمان جهانی کار موظف است که احترام بگذارد به اصول پایه ای حق تشکل . کمیته آزادیهای تشکلات سازمان جهانی کار تاکید می کند بر حق تشکل و آزادی برگزاری جلسات کارگران . اندازه گیری سرکوب فعالیتهای سندیکای تناسب دارد به تعداد بازخواستها و سوال جواب کردن فعالین کارگری که در مقاطع کوتاه می تواند سدی باشد برای فعالیت های سندیکایی و از آزادی فعالیت کارگران سندیکایی جلوگیری می کند

شارون بارو – دبیر کل کنفدراسیون جهانی ITUC

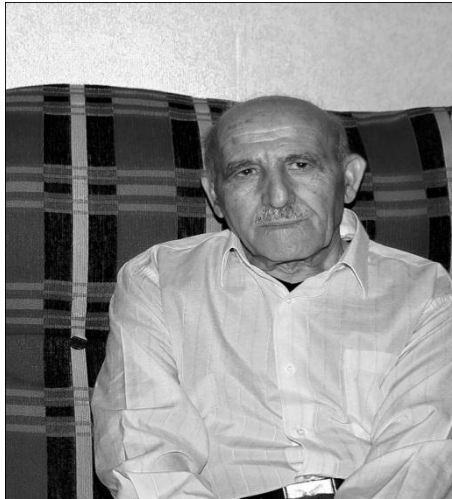
اول ماه مه یادآور اتحاد و همبستگی زحمتکشان در سراسر جهان است

مشکلات کارگران یکی است ، منافع کارگران در سراسر جهان هم یکی است

پیروزی طبقه زحمتکش در یک کشور پیروزی همه زحمتکشان است

وقتی مبارزه می کنیم همیشه پیروز نمی شویم ولی اگر مبارزه نکنیم ، همواره شکست می خوریم.

سندیکا خانه دوم ماست، آن را آباد و آزاد خواهیم ساخت!



نبی معروفی از کوشندگان سندیکایی کارگران بناست. او از دهه ۳۰ فعالیت سندیکایی داشته است. او به سوالات ما چنین پاسخ می دهد:

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

خواسته کارگران ۱۰۰ سال است که سندیکاست. کارگر اگر سندیکاهایش فعالیت آزاد داشته باشد می تواند جلوی خیلی کارهایی که بر سر کارگران بلا می آورند را بگیرد. آقایان وزیر چند سال دیگه بازنشسته خواهند شد. خب این بازنشستگی را کی برقرار کرده به جز سندیکاهای کارگری؟ و شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران در سالهای ۱۳۲۰؟ سندیکاها برای زندگی خوب مبارزه می کنند. آن هم نه فقط برای خودشان، بلکه برای همه ملت ایران. بیمه را درست کردند برای همه مردم. قانون کار و ۸ ساعت کار را درست کردند برای هرکسی که کار می کند. بازنشستگی درست کردند نه فقط برای خودشان، بلکه برای همین ارتشی ها که تا آخر عمر مثل برده کار نکنند. حالا چرا باید سندیکا ها را آزاد نمی گذارند؟

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

اگر سندیکای بناها را نمی بستند تا الان ما می توانستیم برای کارگر ساختمانی بیمه را بگیریم نه اینکه بعد از این همه سال هنوز کارگر ساختمانی بیمه نیست. ما اگر سندیکا فعالیت می کرد این همه کارگر از داریست پایین نمی افتاد که خانوادش بیچاره شه.



جواد مهران گهر عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران در دهه ۴۰ و ۵۰ و ۶۰ بوده و یکی از کوشندگان کارگری سندیکای کفاش است که توانست با قدرت سندیکای کارگران کفاش و هیات مدیره شجاعش، کارگران کفاش را در اواخر دهه ۴۰ بیمه کند و این دستاورد به همه کارگران کفاش در سرتاسر ایران تعلق گرفت.

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟ خواست اساسی جنبش کارگری قبل از همه چیز آزادی تشکیل و فعالیت سندیکاهای کارگری به معنای واقعی کلمه است. این خواست چه در میان کارگران نفت که بزرگترین بخش زحمتکشان و متشکل ترین شان را هم تشکیل می دهند تا کارگاههای کوچک ۲ یا ۳ نفره به خواست اصلی تبدیل شده است

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

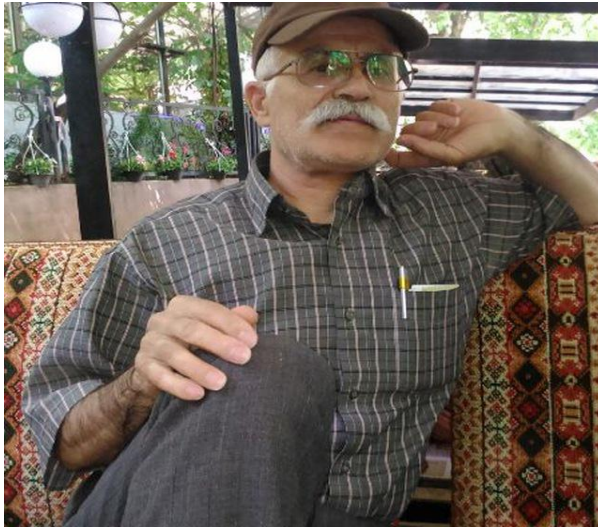
کارگران کفاش که در حال حاضر در کارگاههای ۲ یا چند نفره که به زور به ۱۰ کارگر برسد کار می کنند خواسته هایشان مانند دیگر صنوف است. من می خواهم از این فرصت استفاده کرده در مورد کارفرمایی که این کارگاهها را اداره می کنند صحبت کنم. این کارفرماها نیز مانند کارگران شان زیر بار تورم، دلالتی، چک های برگشتی، گرانی و اجاره بهای کارگاه شان در حال نابودی هستند و در اصل خود بیش از کارگران شان در فشار هستند. کارفرمایی که همپای کارگرس کار می کند و پس از رفتن کارگران تازه باید نگران بیمه، مالیات، اجاره بهای کارگاه، چک برگشتی، دو دوزه بازی فروشگاههای کفش و همچنین به موقع پرداخت کردن دستمزد کارگرس را هم داشته باشد. البته صنعت کفش به همت سیاست های اقتصاد دلالتی در حال نابودی است و کارگران کفاش هم هر روز تعدادش کمتر و کمتر می شود.



رضا فراهانی کنگرانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط در دهه ۶۰ و از کوشندگان سندیکای خیاط از دهه ۴۰. آقای فراهانی در شکل گیری هیات موسسان سندیکاهای کارگری در اوایل دهه ۸۰ و جنبش نوین سندیکا خواهی نقش بسیار پر رنگی داشته است.

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟ مشکل اساسی زحمتکشان ایران نبودن تولید و اشتغال است. واردات عظیم کالا و مافیای دلال، تولید را نابود کرده است. با این شرایط آزادی و فعالیت سندیکاهای کارگری هم ممکن نیست چون دلالان قدرتمند اجازه نخواهند داد با آمدن سندیکاهای کارگری منافعشان به خطر بیافتد.

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟ مشکل کارگران خیاط هم جدا از این مشکل عمومی طبقه زحمتکش نیست. واردات پوشاک از چین تولید را نابود کرده است و کارفرمایان تولید کننده هم تبدیل به دلال پوشاک خارجی شده اند. کارگران خیاط هم یا بصورت دلالان خرده پا و یا مسافر کشی و پیک موتوری امروز گذران زندگی می کنند. وقتی کشوری نفت فروش شد یا دلال می خواهد و یا حمال. دلال می خواهد که این کالاهای داده شده را بازاریابی و پخش کند و حمال می خواهد که این کالاها را جابجا کند.



مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

مهمترین خواسته جنبش کارگری آزادی سندیکاها و اتحادیه و آموزش های حقوق شهروندی و بیمه همگانی و شرایط زندگی مناسب برای همه.

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

مشکلات ما و همکاران در محل کار، نبود امنیت شغلی، فشار کاری زیاد، نداشتن سندیکا، یکطرفه بودن قرارداد کار، کافی نبودن درآمد، زنده ماندن با اعمال شاقه .

حمید شرقی نصاب کارخانه شیشه و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



علی اکبر نظری عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

مهمترین خواسته جنبش کارگری عبارتند از: برگزاری انتخابات آزاد جهت تعیین نماینده مستقل برای کارگران بدون دخالت دولت. نظارت و حق تصمیم گیری در امور کاری توسط شخص کارگر. حق داشتن تجمع و اعتصاب. به رسمیت شناختن سندیکاها. حق داشتن بیش از ۱۰۰ نماینده کارگری در مجلس شورای اسلامی. اداره کردن سازمان تامین اجتماعی توسط کارگران. پایان دادن به احضارهای پلیسی. آزادی زندانیهای کارگری در بند. گنجاندن تعطیل رسمی روز کارگر در تقویم. سهم بود سود حاصله کارگران از دسترنج خود.

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

مشکل ما کارگران در محیط کار عبارتند از: عدم انتخاب نماینده کارگر توسط کارگران و دخالت و انتصاب عوامل منتصب به کارفرما. عدم استاندارد محیط کار. نداشتن ابزار مناسب. صدور اطلاعات و بخشنامه ها بر خلاف قانون. عدم مدیریت صحیح مسئولان. اصرار بر روند خصوصی سازی با توجه به شکست خوردن طرح مربوطه. حذف دستاوردهای کارگران توسط کارفرما. عدم اجرای طبقه بندی مشاغل. نداشتن محیط کاری امن،،،،،



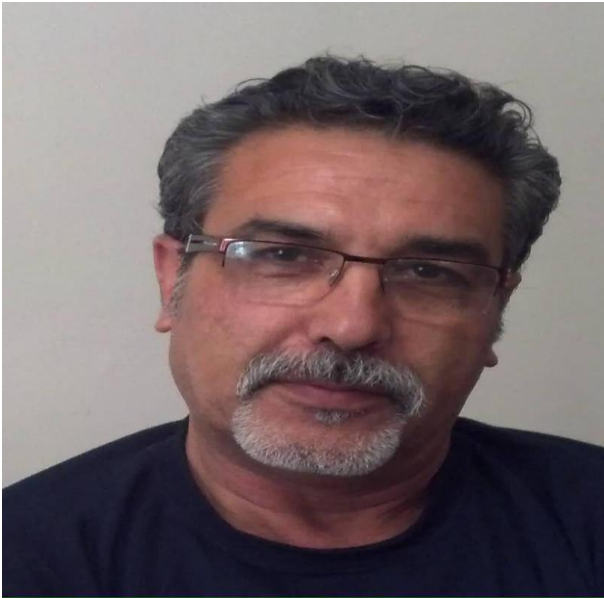
حسین امیدی عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

در رابطه با سوالی که پرسیدید خواسته های مهم جنبش کارگری در موقعیت کنونی افزایش دست مزد ها و ایجاد تشکل های مستقل کارگری که تشکل ها با ایجاد اتحاد برای بالا بردن حقوق و خواست های کارگران. رول اصلی را بازی میکند .

درحال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

از آنجای که الان بیکاری در میان کارگران ساختمانی بیداد می کند نمی توان برای افزایش دست مزد مبارزه کرد پس خواست ما همکاران ما مبارزه با بیکاری هست. اگر اتفاقی نیفتد به فلاکت تبدیل خواهد شد.



علی اصغر ذاتی دبیر تشکیلات کانون صنفی معلمان ایران به سوال گروه تلگرامی سندیکا چنین پاسخ می گوید:

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

در شرایط موجود؛ سازماندهی هوشمندانه و حفظ همبستگی و وسعت بخشی به آن فارغ از کشش های فردی فرصت سوز؛ راهبرد اساسی تشکل های صنفی است . اندیشه های کار ساز را بکار گرفتن برای عمق بخشی به برنامه ها و همراهان عملگرا تاکتیک موثر و به هنگام می باشد؛ گروه های مدرن، امروز در اتاق های شیشه ای تمرین مدارا و به سامان نمودن تفاوت ها و چند نظری می نمایند و متمرکز اند که از ابتکار های عملی در کارزار اجتماعی جانمانند !! "چه خوب میدانید" که این مهم حاصل تلاش فردی ؛ محفلی یا باندی نیست ؛ همت و انگیزه سازی جمعی می طلبد ! ...



مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟ آزادی ایجاد تشکل های مستقل کارگری - ایجادشغل مناسب برای بیکاران - ایجادامنیت شغل - آزادی اجتماعات اعتراضی،اعتصاب - افزایش حداقل دستمزد تا حد تأمین زندگی یک خانواده چهارنفری درقبال ۸ساعت کار- پرداخت حقوق به موقع و سر هر ماه - اجرای کامل قانون کار- حضورنمایندگان واقعی کارگران درهنگام تعیین حداقل دستمزد - آزادی فعالین کارگری و رفع برخوردهای امنیتی با فعالین کارگری - رفع انحصار حکومت ازمديريت تأمین اجتماعی - رسیدگی جدی به شرایط ایمنی محیط های کاری - حق استفاده ازتعطیلات رسمی باحقوق

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟ عدم پرداخت به موقع حقوق ماهیانه - عدم تأمین امنیت شغلی - وجود تبعیض بین نیروهای مشغول کاربسته به رابطه ی آنها با مدیر پروژه چه درمورد میزان دستمزد و چه شرایط کار دارند - عدم توجه مدیریت به مشکلات و خواستههای قانونی کارگران و پرسنل شرکت - رعایت نکردن ایمنی و بهداشت کار در محیط کار

یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



کیومرث الفتی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

مهمترین خواسته کارگران آزادی حق داشتن تشکیلات منتخب واقعی خود و فعالیت آزادانه این تشکیلات و حق آزادی فعالیت صنفی این تشکیلات است.

دومین خواسته کارگران آزادی تشکیل و انحلال این تشکلهای فقط و فقط در اختیار مجمع عمومی کارگران واحدهای مورد نظر باشد. (چنانکه در مقاوله نامه های جهانی و میثاقهای بین المللی آمده است.)



شهاب الدین محرابی. کارگر جوشکار و تکنسین جوش و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

دستمزد عادلانه نخستین خواست مبتنی بر حقی است که پس از انجام هشت ساعت کار روزانه به کارگر پرداخت میشود و باید به میزانی باشد که نیازهای اولیه انسانی و جسمانی مانند خوراک و پوشاک (سلامتی) را تامین نماید این حق در مرحله بعدی تامین کننده امنیت روحی نیروی کار خواهد بود به نحوی که با خیال راحت درمسکنش به تواند به ارضای نیاز های دیگر مانند نیازهای روحی و جسمی بپردازد به شکلی که مزاحمتی برای دیگر اعضای جامعه نداشته باشد به عبارت بهتر، حقوق مکفی باید خوراک، پوشاک و مسکن کارگری را پوشش دهد.

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

نبود امنیت شغلی برای داشتن کار دائمی نبود شرایط بیمه ای از سوی کارفرما عدم تامین لوازم و شرایط ایمنی برای حفظ و تامین جانی حین کار از جمله بزرگترین نبوده های محیط کارگری هستند.



محمد حسین طهماسب پور معروف به شهرک از شاعران طنز پرداز و از کارگران سندیکایی و فعال است. اشعار آذری او در میان کارگران آذری زبان بسیار محبوب است. او از کوشندگان سندیکایی است که در اعتصاب حماسی کارگران تراکتور سازی در سال ۱۳۵۷ از پیشگامان بوده است. او عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک می باشد.

مهمترین خواسته های جنبش کارگری چیست؟

مهمترین خواسته کارگران و جنبش کارگری باتوجه به شرایط به رسمیت شناختن سندیکاها وتشکلهای کارگری بالابردن پایه حقوق بیش از خط فقر و ایجاد اشتغال قانونمند.

در حال حاضر مشکلات و خواسته شما و همکارانتان در محل کارتان چیست؟

من بازنشسته ام . دریافتیم زیر یک میلیون هست . و هنوز کار می کنم تا دخل و خرجم یکی شود. که نمی شود.

فرهنگ ایران زمین به شما نیاز دارد!



صدای اعتراض مردم ایران، استاد محمدرضا شجریان با بیماری پیشرفته سرطان مبارزه می‌کند. شجریان در ۸ دهه از زندگیش نشان داده جز برای مردم و به خاطر مردم نمی‌خواند. او در روزهای بحرانی کشورش با خواندن ترانه‌ها و سرودها در خط اول مبارزه بر علیه استبداد و جهل همراه هموطنانش در طی ۶ دهه بوده است. کارهای ماندگار او در گروه چاووش برگ زرینی از عشق و حماسه و موسیقی است. استاد شجریان در بحبوحه بحران سال ۸۸ با خواندن «تفنگت را زمین بگذار» صدای رسای مردمی شد که به تحقیر «خس و خاشاک» نامیده شده بود. امیدواریم استاد موسیقی ایران هرچه زودتر بهبود یافته و به میان کارگران و دهقانان و همه مردم ایران که شیفته این آوای آسمانی‌اند، باز گردد.

عباس کیارستمی فیلمساز مولف و مشهور ایرانی است. او زندگی مردمش را ۴۰ سال است بخوبی به تصویر می‌کشد و از آنان الهام گرفته و می‌گیرد.

فیلم‌های مشق شب که به انتقاد از سیستم آموزش و پرورش می‌پردازد بسیار بحث برانگیز در دهه شصت شد. خانه دوست کجاست و زیر درختان زیتون او جهانی شد. یک ماهی است در بیمارستانی در خارج از کشور بستری شده است. او پس سه بار جراحی حالش روبه بهبود است. عباس کیارستمی مشهورترین هنرمند ایرانی در خارج از ایران است. او انسان ساده‌زیست و فروتنی است. پدیده کیارستمی در سینمای ایران بخشی از فرهنگ و مبارزه روزمره مردم ایران در سالهای کنونی است. مردم ایران افتخاردارند که توانسته‌اند به جامعه جهانی چنین انسان اندیشمندی را از دل فرهنگ چند هزار ساله خود معرفی کنند.

کارگران فلزکارمکانیک امیدوارند این هنرمندان محبوب و مردمی هرچه زودتر بهبود یابند و باز هم با خلق آموزه‌هایی نوین به فرهنگ و ادب پارسیان خدمت کنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۱۳۹۵/۱/۱۸



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

تاسیس ۱۳۳۹

ثبت وزارت کار ۳۴۴

بازگشایی ۱۳۸۴

گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا از واحد های تولیدی ایران



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارگاههای فلزکاری:

خبر اول: در کارگاههای زیرزمینی که عمدتاً زنان و دختران جوان در آنها مشغول کارند، متأسفانه برای هشت ساعت کار مبلغ ۴۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند و باید ۳ ساعت در روز هم اضافه کاری اجباری کنند تا دریافتی اشان به ۵۶۰ هزار تومان برسد. در این کارگاهها از دستکش، ماسک، لباس کار، کفش کار، شیر، خبری نیست.

خبر دوم: در کارگاههای فلزکاری از شنبه این هفته ۸ اسفند، کارگاهها تعطیل و برای تسویه حساب کارگران گفته شده ۲۵ اسفند در کارگاهها حضور یابند. هر ساله موضوع عیدی و پاداش آخر سال مورد اختلاف کارگران و کارفرمایان این واحدهای تولیدی چند نفره و یا چند ده نفره، بوده است.

خبر سوم: بسیاری از کارفرمایان کارگاههای کوچک اعلام کرده اند که اگر حداقل حقوق از ۱۰ درصد بیشتر باشد کارگاه هایشان را در سال جدید تعطیل خواهند کرد.

۹۴/۱۲/۸

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:

طی دو هفته اخیر باز هم روز جمعه را در ایران خودرو، روز کار زده اند که با بی اعتنائی و اعتراض کارگران روبرو شده است. در آخرین اعتصاب غذا در ایران خودرو، مدیرعامل به کارگران قول داد که چنانچه اعتصاب غذای خود را بشکنند: ۱- روزهای تعطیل و جمعه را کار اعلام خواهند کرد. ۲- از هر سالن نماینده ای برای پی گیری مشکلات و ایجاد تشکل کارگری انتخاب خواهد شد. ۳- طبقه بندی مشاغل هم اجرایی خواهد شد.

مدیرعامل هاشم گدا (لقبی که کارگران ایران خودرو به مدیرعامل خود داده اند) با اضافه کردن مبلغی طبقه بندی مشاغل را فراموش کرد. نماینده گانی که از سالن ها انتخاب شده بودند پس از چندی سرگردانی از یادها رفتند. و حالا هم که روزهای جمعه را روز کار اجباری اعلام کرده است. ۹۴/۱۲/۸



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:

مهندس یکه زارع اظهار کرد: دو سال و نیم پیش که تیم مدیریتی جدید وارد ایران خودرو شد، این شرکت با مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله بدهی به بانک‌ها و قطعه‌سازان، تولید خودرو با کمبود قطعه و ... رو به رو بود اما با تلاش و برنامه‌ریزی موفق شدیم تولید را در نیمه دوم سال ۹۲ نسبت به نیمه نخست دو برابر افزایش دهیم. با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته موفق شدیم در سال ۹۳ شرکت را از حالت بحران خارج کرده و موفق شدیم پس از سال‌ها آن را از حالت زیان دهی به یک شرکت سودده تبدیل کنیم.

وی در پایان به مباحث مالی شرکت ایران خودرو نیز اشاره کرد و افزود: سرمایه شرکت دو سال پیش حدود ۹۰۰ میلیارد تومان بود اما امروز به ۱۵۳۰ میلیارد تومان رسیده که سال آینده با تجدیدنظرهای ساختاری مالی بیشتر هم خواهد شد. (برگرفته از سایت خبررسانی ایران خودرو)

در طی دو سال کارگران ایران خودرو با تلاش خود سالی ۳۰۰ میلیارد تومان برای ایران خودرو سودآوری داشته‌اند. سهم کارگران از این درآمد میلیاردی، دستمزدی متوسط و در حد ۱ میلیون پانصد هزار تومان بطور متوسط در ماه با اضافه‌کاری بوده است.

در جشن پایان سال ۹۴ در ایران خودرو، هاشم یکه‌زارع، مدیر عامل شرکت ایران خودرو برای کارگران و کارکنان این شرکت، طی سخنانی اعلام کرد که: دولت میزان افزایش حقوق کارگران را چهارده درصد اعلام کرده است. با تصویب هیات مدیره شرکت، تصمیم گرفته شد که چند درصدی نیز توسط خود شرکت، برای رفاه نسبی کارکنان، به این مبلغ اضافه خواهد شد. آیا افزایش چند درصدی حقوق کارگران، جبران زحمات و کوششهای کارگران را خواهد نمود؟



گزارش پیام سندیکا از کارخانه سینا دارو:

کارخانه سینا دارو یکی از کارخانه‌های موفق و در حال پیشرفت است. از آذر ماه سال گذشته و با برداشته شدن تحریم‌ها و آمدن قطعات اصلی از ایتالیا و آلمان، تولید رو به افزایش و کیفیت محصولات نیز بسیار عالی گردیده است. امسال بر خلاف سالهای گذشته هیچ کارگری اخراج نشده و تمامی کارگران به موقع دستمزد و عیدی و پاداش خود را دریافت کرده‌اند. پماد چشمی و شربت سالبتامول این کارخانه به همت کارگران و کادر پزشکی و آزمایشگاهی از نوع خارجی اش پیشی گرفته و به خارج از کشور صادر می‌شود. مدیریت قصد دارد با نوسازی کارخانه به یکی از صادر کنندگان درجه اول خاورمیانه تبدیل شود. البته موضوعات کارگری در این کارخانه مانند همه واحدهای تولید با حساسیت شدید روبروست. در این کارخانه فقط شورای اسلامی کار فعالیت کارگری دارد.

کارخانه سینا دارو می‌تواند به الگویی برای کنده شدن از اقتصاد نفتی و همچنین کوشش کادر کارگری و تکنسین‌هایش برای تلاش در زمینه بهبود محصولات کیفی، قرار بگیرد.

گزارش های خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد تهران



باتوجه به نزدیک شدن انتخابات فرمایشی به اصطلاح نماینده کارگر (شورای اسلامی) در سامانه یک اتوبوسرانی، مسوولین منطقه مذکور با برگزاری جلسات خصوصی و ارتباط با برخی از کارکنان جهت نماینده شدن در هیات تشخیص و اعلام حمایت همه جانبه به جهت انتصاب توسط مدیر و حراست و معاون بهره برداری طبق روال سالیان گذشته ، به تحرکاتی دست زده اند. که البته با هماهنگی اداره کار استان صورت می گیرد، تا همچنان کارگران از داشتن نماینده مستقل کارگری محروم باشند. برای نمونه طی سرکشی مدیریت به همراه حراست و معاونین در مناطق سامانه و دستور اکید به مسوولین توقفگاه برای جمع آوری افراد برای دادن رای طی یک التیماتوم به مسوول توقفگاه غرب از طرف مدیر خواهان جابجایی بیش از ۱۰۰ رای را خواستار شده است. با توجه به عدم استقبال همکاران در دوره های گذشته مسوولین دنبال راهکارهای جدیدتری می باشند. برای نمونه طبق مقررات شوراهای سامانه ها افرادی می توانند در این انتخابات کاندید شوند که در گذشته در سامانه یک شاغل بوده باشند. به همین منظور یکی از افراد وابسته به مدیریت برای گفتگو ی حضوری طی چند روز در اطراف توقفگاه غرب ظاهر گردیده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد :

خبر اول : در مورخه ۹۴/۱۲/۳ صبح یک دستگاه خودروی سواری پژو پارس خاکستری رنگ به شماره ۷۸د۴۱۴ ایران ۲۲ بدون هیچگونه ممانعتی از طرف مسولین و نگهبانی سامانه یک به داخل توقفگاه دپو (شرق تهرانپارس) وارد شد. پس از پیاده شدن سرنشین مشخص شد که فرد مذکور رییس اسبق بازرسی سامانه یک می باشد که مدت ۲ ماه است از بازنشستگی ایشان می گذرد و همچنان ادعای مسوول بودن در منطقه فوق را دارد. در حالی که بسیاری از مسولین اداری که دارای وسیله نقلیه می باشند حق ورود به محل کار خود را ندارند . جالب اینکه خودروی ایشان در مقابل دوربین های مستقر در توقفگاه پارک شده و هیچگونه مخالفتی از طرف ناظرین حراست سامانه یک به عمل نیامده است. این موضوع در حالیکه چنانچه راننده ای برای انجام کار اداری و یا استفاده از سرویس های بهداشتی دپو متوقف شود بلافاصله از طرف مسولین فرد مذکور مورد بازخواست قرار می گیرد.

خبر دوم : با اتمام سال جاری و نزدیک شدن به ایام عید متاسفانه از طرف مسولین شرکت واحد هیچگونه اقدامی در تحویل کت و شلوار طی سالیان گذشته صورت نگرفته است. لازم بذکر است که در آبانماه از طرف تولید کننده طی فراخوانی از پرسنل سائز آنها گرفته و می بایست تحویل داده می شد که تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.

خبر سوم : طی گزارشی مبنی بر مسدود بودن ورودی اتوبوسها جهت برداشت مسافر به علت زیر سازی آسفالت دپو که از طرف نشریه پیام سندیکا منتشر شده بود ، باخبر شدیم این مسیر رفع عیب شده است.

خبر چهارم : طی سنت های همیشگی شرکت واحد با تغییر مدیریت ها در مناطق ، افراد وابسته به مدیران نیز با خواست مدیریت جدید در مناطق جابجا

می‌شوند. برای نمونه با ورود مدیریت جدید سامانه یک، ایشان شخصی را به سمت مسوول توقفگاه‌های سامانه یک منصوب نموده است. ایشان نیز برای جبران این انتصاب مدیریت طی یک عملیات ضربتی اقدام به جابجایی افراد که اکثراً با غرض شخصی بوده، مبادرت ورزیده است. به گفته اکثر کارکنان ایشان از روابط عمومی مناسبی برخوردار نیست و از رفتار ایشان ناراضی هستند.



طی اطلاعیه ای که از طرف کارفرما شرکت واحد جهت هتل ثامن الائمه بر روی بیلبرد مناطق شرکت واحد نصب گردیده است، موضوع حذف نهار و شام در هنگام اقامت در این هتل می‌باشد. به این صورت که پرسنل هر دو سال یکبار جهت سفر به مشهد مقدس اعزام و به مدت سه روز از امکانات آن استفاده می‌کردند. متأسفانه شاهد حذف این دستاورد کارگری می‌باشیم چرا که قبلاً توسط اتوبوس‌های شرکت جهت رفت و برگشت استفاده می‌شد که در حال حاضر آن نیز حذف و پرسنل مجبور به استفاده از هزینه شخصی خود جهت رفتن به مشهد می‌باشند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : طی گزارشات رسیده یکی از معضلات رانندگان عصرکار سامانه یک ترافیک سنگین میدان آزادی است که پاتوق دستفروشان پایانه آزادی می‌باشد. که متأسفانه مسوولین تاکنون اقدامی برای حل این موضوع نکرده‌اند.

خبر دوم : با انتصاب مسوول توقفگاه از طرف مدیریت سامانه یک که اکثر پرسنل از برخورد و رفتار ایشان ناراضی می باشند ، در اسفند ماه طی دستوری مبنی بر اعزام برخی از پرسنل جهت استفاده از استخر باخبر شدیم افراد پس از ورود به استخر و در حالی که لخت و آماده استفاده از امکانات مجموعه بودند از طرف مسوولین به آنها گفته شده که قرارداد شرکت واحد با این مجموعه فاقد اعتبار می باشد که این موضوع باعث دلخوری افراد اعزامی سامانه یک گردید.

خبر سوم : با گذشت ۵ ماه از انتصاب مدیر جدید سامانه یک طی هم پرسی صورت گرفته از رانندگان و کارگران سامانه یک ، پرسنل معترف بودند که عملکرد مناسبی از مدیر سامانه مشاهده نکرده اند. بطوریکه لقب «مدیر صرفه جو» !!!!از طرف رانندگان و کارگران به ایشان اختصاص داده شده است. عدم تحویل کت و شلوار ، جابجایی اکثر پرسنل بدون کار کارشناسی ، انتصاب برخی افراد وابسته به خود که فاقد هرگونه تجربه و روابط عمومی مناسب هستند تا صرف هزینه بیت المال برای احداث سقف برای خودروی آزاروی خود ، عدم پیگیری مطالبات رانندگان و کارگران شرکت در مورد بن های کارگری که در هفته گذشته باید داده می شد و هنوز داده نشده ، عدم پیگیری همسان سازی حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد با کارکنان شهرداری، از کم کاری های مدیر سامانه یک می باشد.

خبر چهارم : پس از رفع عیب سطح توقفگاه دپو شرق واقع در تهرانپارس ، در اقدامی عجیب از طرف روابط عمومی با نصب بنر که مخصوصا در دید پرسنل قرار گیرد ، از زحمات مدیریت سامانه قدردانی شده است. این قدردانی در حالی صورت گرفته است که پرسنل سامانه در اسفند ماه هنوز همچنان از تحویل کت و شلوار ، بن های کارگری ، دیر کرد حقوق در ۲ ماه گذشته ، عدم نظارت مناسب بر عملکرد پرسنل بهره برداری محروم مانده

اند. آیا نمی شد خرج بنر تبلیغاتی جناب مدیر به مسایل رفاهی رانندگان اختصاص می یافت؟



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : پس از انتشار گزارش خبرنگار پیام سندیکا در خصوص به تعویق افتادن کت و شلوار های سالانه باخبر شدیم بالاخره در تاریخ ۲۵ اسفند اداره خدمات و رفاه سامانه یک اقدام به توزیع این کت و شلوارها در میان کارکنان نموده است .

خبر دوم : با تصویب افزایش ۱۴ درصدی حقوق برای سال ۹۵ از طرف شورای عالی کار و تایید وزیرکار ، موجی از اعتراض و نگرانی کارکنان شرکت واحد را در بر گرفته است.

خبر سوم : پس از پیگیری های مستمر اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد جهت مسکن بلاعوض به کارکنان ، و ارسال و تایید ۵۰۱۲ نفر از کارکنان شرکت واحد به شهرداری، متأسفانه شاهد سنگ اندازی های مسئولین شرکت واحد در طول پیگیری های اعضای سندیکا در ماههای گذشته هستیم و اخیرا با نزدیک شدن انتخابات شورا با نصب اعلامیه در مورد مسکن، در روزهای برگزاری انتخابات شوراهای فرمایشی در مناطق و سمپاشی های فراوان با ترفند رای دادن به نمایندگان خودفروخته و کشاندن کارگران به پای صندوق های رای بشدت، می کوشند.

خبر چهارم : طی لیست اقلام توزیعی (بن های کارگری) سال ۹۴ که می بایست از طرف کارفرما بین کارکنان شرکت واحد پرداخت گردد متأسفانه با اتمام سال ۹۴ همچنان مبلغ ۲۰۰ هزار تومان (که صد هزار تومانش مربوط به هفته بسیج است) به کارگران پرداخت نشده است گویا کارفرما جهت برگزاری انتخابات فرمایشی خواسته است با این حربه کارکنان خود را مجبور به دادن رای نماید که: « ببینید در نبود شوراهای فرمایشی ۲۰۰ هزار تومان از حقوق شما پرداخت نشده و چون شورا نداشتید این امر هم پیگیری نشده است. پس بیایید در رای گیری شرکت کنید تا این امور و پرداخت ها به موقع صورت بگیرد.» در صورتی که این حق با اعلام اعتصاب سال ۸۴ سندیکا در شرکت واحد و قرار گرفتن شرکت در زیر مجموعه شهرداری قبلا به اثبات رسیده و جزو حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد است و باید بطور مرتب پرداخت شود.

خبر پنجم : یکی از مشکلات رانندگان سامانه یک صف های طولانی انتظار اتوبوس ها جهت برداشتن مسافر در مبدا و مقصد می باشد. این معطلی در مواقعی تا ۲ ساعت هم زمان برده و طول کشیده است. این طولانی شدن باعث ، تشنج، استرس و بدبینی رانندگان به مسوولین و در نهایت سرعت و سبقت غیرمجاز و تصادف را در بر داشته است. جالب اینکه در اقدامی تازه از طرف کارفرما طی پیامکی کسر کرایه به علت توقف طولانی خودرو برای رانندگان ارسال گردیده است. آقایان به عوض تهدید رانندگان برای این مشکل راه حل پیدا کنند.

۹۴/۱۲/۲۹



گزارش خبرنگار نشریه پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : در مورخ پنجم اسفند ۹۴ ضمن صحبت درمورد مسایل پایان کار و دریافت سرویس برگشت برای رانندگانی که فاقد اتوبوس هستند و در اتاق استراحتگاه رانندگان منتظر ثبت پایان کار هستند، تصمیم گرفته شد ابتدا به شورای سامانه ۵ اتوبوسرانی مراجعه و با حضور نماینده کارگران در شورا به معاون بهره‌برداری مراجعه مساله باایشان درمیان گذاشته شود تا یک اتوبوس در اختیار رانندگان قرار گرفته تا رانندگان راحتتر به منزل خود بروند.

پس از حضور رانندگان در شورا و صحبت با دوتن از شورایی ها (ی خود فروخته که ۴ روز جلوتر حکم اخراج حمید رضا طهماسبی را امضا کردند) پیش معاونت بهره‌برداری رفتیم و ایشان قول داد یک اتوبوس برای بردن رانندگان راس ساعت یک و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر در اختیارشان قرار داده تا آنها را از مسیر باکری جنوب_ستاری جنوب_میدان آزادی برساند. ولی متاسفانه با پیگیری نکردن رانندگان روز بعد معاونت بهره‌برداری زیر قولش زد و به تعهدش عمل نکرد.

خبر دوم : در پی پیگیری های رانندگان سامانه ۵ برای درست کردن کف کانکس استراحتگاه رانندگان فاقد اتوبوس که به علت استهلاک بیش از حد کف کانکس و سوراخ سوراخ بودن آن مکاتبات لازم توسط مدیریت انجام و در دهه سوم اسفندماه ۹۴ بخشی از تعمیرات انجام ولی متاسفانه تا پایان اسفند ماه ناتمام ماند و به بعد از تعطیلات نوروزی ۹۵ موکول شد که تا بحال نیز کار متوقف شده و نیمه کاره رها شده است.

پنجم فروردین ۹۵



عبدالله وطنخواه کارگر فلزکار : آزادی تشکلیابی اصلی‌ترین خواسته جامعه کارگری است



Photo: Kianoosh Mohebian

Iranian Labour News Agency

خبرگزاری ایلنا: او اعتقاد دارد که کارگران به مسائلشان نگاه صنفی دارند و نباید با نگاه امنیتی آنها را از حقوق ابتدایی محروم ساخت.

عبدالله وطن خواه در گفتگو با ایلنا با تاکید بر اینکه آزادی تشکلهای کارگری باید اصلی ترین خواسته کارگران در روز جهانی کارگر باشد، اظهار داشت: بدون آزادی تشکلهای کارگری نمیتوان سایر مطالبات را پیگیری کرد از این رو باید اصلاح فصل ششم قانون کار در اولویت دولتمردانی باشد که با شعار حمایت از جامعه کارگری بر سر کار آمده‌اند.

عضو هیات مدیره تعاونی کارگران فلزکارمکانیک تهران با اشاره به اینکه هرگونه اصلاح در قانون کار منوط به مشارکت و نظرجویی از تشکلات کارگری است، گفت: در غیر این صورت مدیریت دولتی که این روزها نگاه کارفرمایی بر آن همچنان حاکم است با تعدیل همین اندک قوانین حمایتی از نیروی کار موافقت می‌کند.

وطن خواه افزود: امنیت شغلی خواسته دیگر جامعه کارگری است که متأسفانه مدیران دولتی از زمان خاتمه جنگ تحمیلی نسبت به آن احساس مسئولیت نمی‌کنند و با توجیه ضرورت ایجاد رونق اقتصادی دست کارفرمایان را برای انعقاد هر نوع قراردادی که نگاه ضد کارگری دارد باز گذاشتند.

این فعال صنفی کارگری در خصوص افزایش ۱۴ درصدی دستمزد که انتظارات جامعه کارگری را برآورده نکرد، گفت: آنچه که کارگران می‌پایینند کوچک تر شدن سفره شان است، اما کارفرمایان که از پشتیبانی دولت برخوردارند با نفوذی که دارند القا می‌کنند که این افزایش دستمزد بیشتر از اینها بوده است.

عضو هیات مدیره مجمع نمایندگان کارگری تهران ادامه داد: کارفرمایان در حالی ورشکسته شدن صنایع را به گردن افزایش دستمزد کارگران می‌اندازند که به سبب منافعشان عواملی مثل تاثیر تحریم‌های اقتصادی، بهره بانکی و بالا رفتن نرخ مواد اولیه را در نظر نمی‌گیرند. در نظر داریم با مذاکرات که با شرکای اجتماعیمان داریم هر چه سریعتر کمیته‌های تخصصی دستمزد را تشکیل دهیم تا برای افزایش مزد در سال آینده هدفمند عمل کنیم البته این منوط به آن است که نمایندگان واقعی کارگران در این جلسات شرکت کنند.

سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می‌کوشند

سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می‌کوشند

سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می‌کوشند



عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران و دبیر انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز :

نمی‌توان از مزد ۹۵ توقع بهرهوری داشت . به مصداق مثل هرچه بکاری درو خواهی کرد، کارفرمایان دولتی و خصوصی نیز از تبعات افزایش ناچیز دستمزدهای سال ۹۵ بی‌نصیب نخواهند بود، زیرا این میزان افزایش مزد نمی‌تواند افزایش بهرهوری را تامین کند.

«ناصر چمنی» به ایلنا گفت: کاش حداقل دولت تدبیر و امید به همان شیوه‌ای که برای پایان دادن به مشکلات پیچیده مناسبات بین المللی و تحریم‌های اقتصادی اقدام کرد برای محاسبه حداقل مزد نیز اهمیت قائل می‌شد. افزایش ۱۴ درصدی دستمزد کارگران، فقط مبلغ صد هزار تومان به قدرت خرید کارگران افزود این در حالی است که طبق آمار و محاسبات کمیته مزد هزینه سبد معیشت یک خانوار حدود چهار نفری کارگران بیش از ۲ میلیون در ماه می‌شود. کارفرمایان خصوصی و دولتی برای افزایش دستمزد در سال ۹۵ در بحثی تکراری باز مطرح کردند که اگر مزد افزایش بالایی داشته باشد، باعث ایجاد تورم خواهد شد، کاش امکان این وجود داشت که برای یک ماه نمایندگان کارفرمایان دولتی و خصوصی با دستمزد یک کارگر معیشت یکماه خود را سپری کنند تا درد این قشر مظلوم را از نزدیک لمس کنند، بعد منصفانه برای میزان مزد تصمیم بگیرند.

وی با اشاره به استدلال ۲ درصد بالاتر بودن میزان افزایش مزد از میزان ۱۲ درصدی نرخ تورم رسمی، گفت: در ظاهر اینطور است که افزایش مزد از نرخ تورم بالاتر بوده است اما در واقعیت اقتصاد و هزینه سبد معیشت خانوار کارگری این امر فریبی بیش نیست. همگان می‌دانند از ۳۳۰ اقلامی که مرکز آمار برای تعیین نرخ تورم در نظر می‌گیرد کمتر از ۵۰ قلم مورد استفاده جامعه کارگری قرار می‌گیرد بنابراین میزان تورم برای جامعه کارگری بسیار بالاتر از میزان اعلام شده است. در بهترین حالت دستاورد جلسات شورای عالی کار پرداخت حق مسکنی است که در جلسات سال گذشته درباره‌اش تصمیم‌گیری شد اما دولت زیر بار پرداخت آن نرفت و امسال قرار است پرداخت شود. نمی‌دانم که آیا می‌توان از افزایش تأخیری حق مسکن کارگران به عنوان یک دستاورد صنفی یاد کرد؟ اما همان قدر می‌دانم که با وجود اتمام تعطیلات رسمی نوروزی هنوز از سوی دولت برای ابلاغ این مصوبه اقدامی نشده است.

وی که عقیده دارد انتلاف کارفرمایان دولتی و خصوصی در سال ۹۵ باعث عقیم کردن توان چانه زنی نمایندگان کارگری شد، افزود: کسانی که سال گذشته دستاورد نمایندگان کارگری در مزد سال ۹۴ راناپیز دانسته و آنان را به بی‌تجربگی متهم کردند در توجیه اتفاقات امسال چه حرفی دارند که بزنند. افزایش مزد ۹۴ درحالی ۱۷ درصد اعلام شد که کشور در تحریم بود و برجام اجرایی نشده بود، اما اکنون که این مشکلات از پیش پای اقتصاد برداشته شده است چگونه افزایش ۱۴ درصدی را توجیه می‌کنند؟

ناصرچمنی با تاکید براینکه گروه کارگری در جلسات شورای عالی کار امسال یکی از اعضای مؤثر خود را از دست داد، گفت: نقش بقائیان که از نهاد صنفی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور به عنوان یکی از اعضای اصلی گروه کارگری در جلسات تعیین مزد حضور داشت به این علت چشمگیر و فراموش نشدنی بود که حاضر نشد مانند گروه دولت و وکارفرما

وکالت تصمیم‌گیری در مورد افزایش مزد وکالت تام‌الاختیار بدهد. جدا از اینکه آقای بقائیان بعد از بازنشستگی دیگر از سوی تشکل متبوعش به جلسات تعیین مزد شورای عالی کار فرستاده نشد، در جلسات افزایش مزد امسال اتفاقات دیگری هم افتاد که در نهایت باعث تضعیف قدرت چانه زنی گروه کارگری بود. از جمله این اتفاقات این بود که شخص خودم از سوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کشور برای حضور در جلسات تعیین مزد شورای عالی کار معرفی شدم اما در نهایت وزارت کار حاضر به پذیرش من در جلسات مورد نظر نشد. اتفاق دیگری که می‌توان از آن در راستای عقیم سازی توان چانه زنی گروه کارگری یاد کرد این بود که در جریان جلسات امسال آقای علی‌خدایی به عنوان مسئول کارگروه مزد بخش کارگری و کسی که نقش بسیار مهم و مؤثری در ایجاد وحدت بین سه تشکل کارگری داشت برای یک نوبت در پشت جلسه اصلی شورای عالی کار نگهداشته شد.

چمنی با یادآوری این موضوع که در سال ۹۴ نیز دولت با پیش کشیدن موضوع تورم انتظاری درحد ۱۰ درصد سنگ اصلی را در مخالفت با افزایش واقعی دستمزدها زده بود، گفت: امسال هم باز دولت با پیش کشیدن همین بحث بستر اصلی مخالفت با واقعی شدن مزد کارگران را فراهم کرد و در نهایت بخش کارفرمایی نیز از این شرایط به سود خود نهایت استفاده را کرد.

وی در خصوص این ادعا که براساس آن دلیل ثابت ماندن مزایای مزدی کارگران مخالفت کارفرمایان با کسر شدن حق بیمه از حقوق بن کارگری عنوان می‌شود، گفت: طبیعی است که نمایندگان بخش کارفرمایی از همه ابزارهای منطقی و غیر منطقی برای تامین خواسته‌های موکلان خود استفاده کنند اما در عین حال این پرسش مطرح می‌شود که نمایندگان بخش کارگری تا چه اندازه از همین ابزارها برای پیشبرد خواسته موکلان خود در خصوص اجرای کامل ماده ۴۱ قانون کار استفاده می‌کنند.

کارگران و سندیکا

تجربه تاریخی در کشورهای سرمایه‌داری نشان می‌دهد که دفاع از ابتدائی‌ترین حقوق طبقه کارگر فقط با اتحاد و همبستگی این طبقه و تجمع آنان در تشکیلات سندیکائی امکان پذیر می‌باشد. اما کارگران از این اتحادیه نه تنها همچون وسیله برنده‌ای برای فروش عادلانه تر نیروی کار خویش استفاده می‌کنند بلکه از این طریق برای تغییر شرایط کار، ایجاد و تعمیم بیمه‌های (بیکاری، بازنشستگی، عمر) دفاع از محل کار و حل ده‌ها مشکل دیگری که در مقابل طبقه کارگر قرار دارد مبارزه می‌کنند.

تا قبل از قرن هجدهم، حرکت‌های اعتراض آمیز کارگران علیه ظلم و ستم کارفرمایان، به شکلی پراکنده و نامنظم صورت می‌گرفته است. در قرن ۱۸، با ایجاد و رشد طبقه کارگر، لزوم دفاع از حقوق و منافع این طبقه بیشتر احساس شد. از این رو، کارگران به فکر تشکل و مبارزه پیگیر برای کسب حقوق خود افتادند. امروز تقریباً می‌توان گفت که جنبش کارگری و تشکिल سازمانهای مربوط به کارگران در اغلب کشورها رسوخ پیدا کرده است و کشورهای زیادی وجود سازمانهای کارگری را به رسمیت شناخته‌اند.

اما با وجود گسترش چشمگیر تشکلهای کارگری در جهان، هنوز کشورهایی وجود دارند که به سرکوب جنبشهای کارگری می‌پردازند و فعالان اتحادیه‌های کارگری را شکنجه می‌دهند و حتا گاهی کسانی را به قتل می‌رسانند. طبق گزارش سال ۱۹۹۵ فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری، در همین سال، جهان شاهد شدیدترین و گسترده ترین انواع نقض حقوق کارگران و سرکوب اتحادیه‌های کارگری بوده است.

سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف عناوین گوناگونی دارند. مانند: اتحادیه، فدراسیون، کنفدراسیون، سندیکا، انجمن صنفی، کانون.

به طور کلی هدف از تشکیل سازمانهای کارگری حفظ و حمایت از منافع کارگران، کمک به افزایش بهره‌وری کار و مشارکت در کنترل امور اقتصادی و اجتماعی کشور است. البته میزان تاکید بر هر يك از هدفهای فوق، متناسب با نوع نظام مستقر در کشور متفاوت است.

اما صرفنظر از هر عنوانی، برای آن که سازمانهای کارگری بتوانند کارویژه خود را به نحو شایسته‌ای ایفا نمایند، موضوع مهم حفظ استقلال آنها در مقابل دولت و سازمانهای کارفرمایی است.

اخیراً دادگستری کل استان خوزستان، با ابلاغ بخشنامه‌یی، اعلام کرده است: "تجمع و اخلاف در نظم شرکت‌های پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی به عمل می‌آید" [ایلنا، ۲ آذرماه ۹۴].

وزارت دادگستری اصل ۲۷ قانون اساسی که دایر بر آزادی تجمع است را زیر پا گذاشته است.

سندیکا‌های کارگری خواهان اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی دایر بر آزادی راهپیمایی‌ها، تجمع و اعتصاب هستند.

دکتر فرشید هکی

**راهپیمایی و اعتصاب بُرنده ترین سلاح زحمتکشان
در مقابل زور گویی سرمایه داری است**

منابع سازمان تامین اجتماعی چگونه تامین میشود؟



هر روز دولتمردان از کاهش منابع مالی سازمان تامین اجتماعی سخن می گویند و هیات مدیره این سازمان و دولت برای دست اندازی به اندوخته های کارگران نقشه می کشند. اصلی ترین منبع مالی تامین اجتماعی حق بیمه کارگران است. هر کارگری که حتی یک روز کار کند باید حق بیمه اش پرداخت شود. اگر بازرسان سازمان تامین اجتماعی به وظایف خود بخوبی عمل کنند و تمامی کارگاههای پیدا و پنهان را از نظر دور ندارند و کارگران را بیمه کنند هر ماهه پول زیادی به صندوق سازمان تامین اجتماعی واریز خواهد شد. البته چنانچه دولت هم یکصد هزار میلیارد تومان بدهی خود را به سازمان تامین اجتماعی بدهد بی تردید سازمان تامین اجتماعی کسری پیدا خواهد کرد.

البته بهتر است که در قدم نخست هیات مدیره شستا و هیات مدیره تامین اجتماعی و شخص مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی مبالغ دریافتی ماهانه اشان به همراه پاداش ها و وامهای دریافتی از این صندوق را بصورت شفاف اعلام کنند تا ما بدانیم پولهای ما در این سازمان چگونه حیف و میل می شود. حقوق ماهانه رییس سازمان تامین اجتماعی ۶۰ میلیون تومان اعلام شده است.

ضمناً مدیران قبلی و فعلی وامهای خود را چه آنهایی را که بلاعوض و چه آنهایی را با پرداختی های نازل گرفته اند را فوراً با سازمان تسویه کنند.

تحریریه نشریه پیام سندیکا

رفتار تماشاگر بودن

یکی از پدیده‌هایی که در جامعه ما خصوصاً پس از رواج شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد پدیده‌ی تماشاگر بودن است...

مشکل صرفاً شبکه‌های اجتماعی نیست؛ بلکه این شبکه‌ها باعث شده‌اند چنین مسأله‌ای بیشتر نمایان شود وگرنه چنین رفتار مذمومی مدت‌هاست که در جامعه ما نمود پیدا کرده است.

البته هر کسی که ساکت است لزوماً تماشاگر نیست؛ گاهی دلایل دیگری برای سکوت هست مثل گرفتاری بیش از حد، یا داشتن شخصیت اجتنابی (خجالتی) و ... اما وقتی سکوت به اکثریت اعضای يك جامعه سرایت کرد باید دنبال دلایل دیگر و مهم‌تری هم بود. به واقع می‌توان گفت غلبه رفتار "تماشاگر بودن" در يك جامعه از اولین نشانه‌های انحطاط آن است...

در جامعه‌ی ما یک فلسفه فکری آرام آرام و به مرور نضج گرفته و رشد پیدا کرده است و فرد به هر دلیلی به این نتیجه رسیده است که صرف وقت و یا انرژی برای افراد دیگر جامعه سودی ندارد و کاری احمقانه است. اصولاً طبق این فلسفه سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند! هر اتفاقی افتاد بیفند چه لزومی دارد که من خودم را سبک کنم....! میتوان بسیاری از مسائل را دید و نظاره‌گر ماند و منتظر عکس العمل بقیه بود!

وقتی بی تفاوت از کنار مسایل و اتفاقات مهم روزمره می‌گذریم و فقط و فقط سکوت می‌کنیم، وقتی از فردی که در صحنه‌ی تصادف در حال جان دادن است یا از دو نفری که باهم زد و خورد می‌کنند و از سایر صحنه‌های مشابه فقط و فقط فیلمبرداری می‌کنیم، وقتی در اغلب گروه‌های اجتماعی بیش از نود درصد اعضای گروه در قبال اغلب مسائل سکوت کرده و بی تفاوتند یعنی اینکه رفتار و فلسفه‌ی "تماشاگر بودن" در جامعه‌ی ما رایج است!

"رفتار تماشاگر ماندن" جامعه را به جزیره‌هایی "يك يا چند نفره" تبدیل می‌کند؛ بر خلاف تصور فرد "تماشاگر" نهایتاً زیان این جدا افتادن‌ها نصیب تمام اعضای جامعه و از جمله خود فرد می‌رود.

رفتار "تماشاگر بودن" هیچ برنده‌ای ندارد... در جامعه‌ای که اغلب افراد آن تماشاگران خوبی هستند بازیگران خوب هم نهایتاً بازنده خواهند بود.

احمدیان کارگر

پاسخ به احمدیان

دوست عزیز رفتار تماشاگر بودن هرگز اتفاقی نیست بلکه کاملاً تحمیلی است. حکومت‌ها از این رفتار بیشترین سود را می‌برند که خب طبیعی است. این مشکل را همه ما درک می‌کنیم و درد میکشیم، اما راه حل چیست؟؟

راه حل ایجاد و راه اندازی سازمانهای مردم نهاد است. که متأسفانه کاملاً سانسور شده و به دور از دسترس مردم است. فعالیت سندیکاها و سازمان‌های مردم نهاد شروع خوبی برای رشد جامعه هست.

آیا در ایران سازمان‌های مردم نهاد وجود دارند؟ و آیا فعالیت می‌کنند؟

متأسفانه وقتی مجلس قانون فعالیت آزاد سندیکا‌های کارگری و سازمانهای مردم نهاد را تصویب نمی‌کند. حرف از مشارکت مردمی مزاح کردن با مردم است. سازمانهای مردم نهاد تقلبی سراسر کشور را مسموم کرده‌اند، سازمان مردم نهاد تقلبی چیست؟ به سازمانی گفته میشود که در راستای سیاستهای دولت حرکت کند.

سازمان مردم نهاد واقعی چیست ؟

سازمانی است کاملاً مردمی ، که اجازه کوچکترین دخالتی به دولت نمی دهد و در صورت دخالت دولت یا دولت مردان در کارکرد آن، سازمانهای مردم نهاد ، بر علیه دولت اقامه دعوا میکنند و دولت را محکوم میکنند و خسارتهای سنگینی از دولت میگیرند.

هر شخصی در دنیا مثل نام پدر خود نام سازمانهای مردم نهاد را حفظ است و بلد است و به راحتی نام ۱۵ سازمان را میبرد.

قدرت سازمانهای مردم نهاد دهها برابر قدرت دولتی است.

نام سازمانهای مردم نهاد به ترتیب قدرت: ۱- سندیکا‌های کارگری ۲- سازمان های زنان ۳- سازمان بین المللی حمایت از کودکان / یونیسف (که معمولاً زیر نظر سندیکاها فعالیت دارند) ۴- سازمان حمایت از محیط زیست ۵- سازمان حمایت از مصرف کننده ۶- سازمان های دانشجویی

برای اینکه فاجعه را درک کنید جالب است که بدانید تمام این سازمانهایی که در بالا نام برده شد به جز سندیکا‌های کارگری در ایران با بودجه دولتی کار میکنند و اگر شما به عنوان یک ایرانی بخواهید به آنان حق عضویت پرداخت کنید با چشمان از حذقه در آمده مواجه خواهید شد.

در حالی که در تمام جهان سازمانهای مردم نهاد از طریق جمع آوری حق عضویت بودجه خود را تأمین میکنند تا بتوانند مستقل عمل کنند و به دولت فرمانروایی نکنند. در این سازمان ها به مردم آموزش می دهند که در برابر هر مشکلی و اتفاقی بی تفاوت نبوده و به سازمان مردم نهاد مربوطه مراجعه و برای رفع آن در آن سازمان عضو شده و فعالیت کنند.

افشینی کارگر فلزکار

مبانی حقوقی سندیکاهای کارگری

یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حقوق کار نیز موضوع تشکل‌های مستقل کارگری و کارفرمایی می‌باشد. هدف تمامی این تشکل‌ها حمایت از منافع گروه‌های عضو می‌باشد. ایجاد این تشکل‌ها یک پدیده اجتماعی است و البته وقتی می‌تواند به عنوان یک پدیده اصیل در پیکره حقوق کار قرار گیرد که جامعه دارای تشکل‌های خودجوش آزاد و غیر وابسته کارگری و کارفرمایی باشد. در چنین شرایطی است که این تشکل‌ها می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در جهت ایجاد نظم در روابط کار و استقرار عدالت اجتماعی بر عهده گیرند.

بر اساس بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد با دیگران تشکیل سندیکا دهد و حق دارد برای دفاع از منافع خود به سندیکاها بپیوندد».

بند ۱ ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز این حق را شناسایی و تأیید نموده است. ماده ۸ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به شرح زیرین تضمین این حق را جزو تعهدات دولت‌های عضو میثاق قرار داده است: (الف) حق تشکیل سندیکا و آزادی عضویت در آن به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی؛ (ب) حق ائتلاف سندیکاها به صورت اتحادیه و کنفدراسیون در سطح ملی و بین‌المللی؛ (ج) آزادی فعالیت سندیکاها بدون هیچ‌گونه محدودیتی، جز محدودیت‌های قانونی در یک جامعه دموکراتیک به هدف نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران.

امروزه از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار، آزادی سندیکایی یکی از مسائل مهمی است که رعایت آن شرط اجرا و تحقق بسیاری دیگر از معیارهای بین‌المللی کار است.

اساسنامه سازمان بین‌المللی کار در متن نخستین خود، حق تشکیل انجمن‌ها را در همه اموری که با قانون مغایرت نداشته باشد برای مزدبگیران و کارفرمایان به رسمیت شناخته بود و سرانجام در سال ۱۹۴۸ مقاوله‌نامه شماره ۸۷ را به عنوان آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق شکل تصویب کرد که گفته شده است اولین عهدنامه بین‌المللی بوده که یکی از آزادیهای اساسی انسان را به رسمیت می‌شناسد .

مقاوله‌نامه شماره ۹۸ نیز راجع به حق تشکیل سندیکا و مذاکرات دسته جمعی و نیز حقوق سندیکایی بوده و سازمان‌های کارگری، کارفرمایی و دولتی را از دخالت در امور یکدیگر منع نموده است که محور اصلی آن عدم تسلط و نفوذ تشکلهای دولتی بر تشکلهای کارگری است که با استفاده از ابزار کمک و حمایت‌های مالی صورت می‌پذیرد .

اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «... آزادی انجمن‌های صنفی را مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند...» به رسمیت شناخته است و اعلام می‌دارد که: «هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» .

باید اشاره نماییم که «اگر چه قانون استخدام کشوری (حقوق اداری مربوط به کارمندان دولت) در مورد کارمندان در زمینه حق شکل کارگری و کارمندی ساکت است ولی به نظر می‌رسد که بر طبق اصل آزادی انجمن‌ها و اجتماعات، مستخدمان دولتی نیز حق دارند برای دفاع از حقوق صنفی و حرفه‌ای خود سندیکا و اتحادیه تشکیل بدهند.»

دکتر فرشید هکی استاد دانشگاه

دستمزد ما کارگران

شورای عالی کار ، حداقل دستمزد سال ۹۵ را باتوجه به نرخ تورمی که خود (دولت - کارفرما و باصطلاح نماینده کارگران) اعلام کردند، افزایشی معادل ۱۴ درصد داد. اینکه این مقدار افزایش دستمزد، نه تنها برای سال بعد ، بلکه برای سالهای قبل نیز ، هیچ موقع عادلانه نبوده و میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران نسبت به تورم افسار گسیخته، مبلغ ناچیزی بوده است . آیا نباید در دولتی که خود را قانون مدار می داند توقع داشت که به خط فقر را هم نگاهی بیاندازند؟

بحمدالله سندیکاهای کارگری ، (که البته به لطف نظام بصورت قانونی و عمومی نمیتوانند فعالیت کنند) و نیز برخی از رسانه ها به اندازه کافی در مورد این مساله و افزایش دستمزد ، به اندازه کافی در این مورد قلم زده اند و بعضاً آنرا ناعادلانه دانسته اند ، و حداقل دستمزد از لحاظ مبلغی را حداقل چهار برابر میزان دریافتی کنونی عنوان کرده اند.

بحث در این مورد را کنار میگذاریم و از یک زاویه دیگر به این موضوع می پردازیم. آیا تورم و گرانی را کارگران بوجود آورده اند که باید به دوش بکشند؟ آیا بهتر نیست وزرای اقتصاد ، صنعت، روسای جمهور ۳۰ ساله اخیر را که باعث این گرانی و تورم گشته اند را به همین جرم گرانی کمر شکن حقوق ماهانه شان را همین ۸۱۱ هزار تومان تقلیل داد تا درس عبرتی برای آیندگان باشد و همگان بدانند که عملکردشان بی جواب نخواهد ماند. منافع ملی کشورمان ایران ایجاب می کند معیشت کارگران را به درستی محاسبه کرد. از نظر یک کارگر زمانی افزایش حقوقی صورت می گیرد که قدرت خریدمان بیشتر شود. وگرنه این افزایش ها حرف های خنده داری بیش نیست.

رضا فیاضی کارگر جوشکار

بحران آب

هنگامی که به اندازه کافی [آب آشامیدنی](#) مورد نیاز وجود ندارد، خطر بحران آب حس می‌شود. این مساله یک نگرانی جهانی است.

پنجاه سال پیش، زمانی که جمعیت در این سیاره از نیم جمعیت کنونی آن کمتر بود، درک مشترک این بود که آب یک منبع بی‌نهایت است. مردم مانند امروز ثروتمند نبودند، کمتر کالری مصرف می‌کردند و گوشت کمتری می‌خوردند، بنابراین آب کمتری برای تولید مواد غذایی نیاز بود. آنها به یک سوم حجم آبی که ما در حال حاضر از رودخانه برداشت می‌کنیم نیاز داشتند. امروز، رقابت برای منابع آب بسیار شدید تر است. دلیل این است که در حال حاضر بیش از هفت میلیارد نفر بر روی زمین وجود دارند، مصرف گوشت و سبزیجات و آب در حال زیاد شدن است و رقابت برای آب در بخشهای صنعتی، شهری و سوخت‌های زیستی بیشتر شده است.

ایران ما که کشوری است کم آب همین مقدار آب برای ۳۰ میلیون ایرانی کم بود چه رسد به جمعیت ۸۰ میلیونی. متأسفانه هرکسی که پول دارد توانسته است در خانه و ملک خود اجازه برداشت از آبهای زیر زمینی را بگیرد که بزرگترین حیف میل در زمینه آب است. از طرف دیگر با آوردن میلیونها ماشین سواری به خیابانها و گرم کردن هوا، باعث شده ایم که بارش ها هر سال کمتر از سال قبل شود. در همین حال مجلس برای واردات آب و شیرین کردن آبهای خزر و خلیج فارس طرح می دهد غافل از آنکه باید رشد جمعیت را کند کرد، برداشت از منابع زیرزمینی به شدت زیر نظر گرفته شود، چاههایی که بدون استاندارد حفر شده اند مسدود شوند. برداشت های بی رویه آب از منابع زیرزمینی باعث شده که بیابانهای مرکزی ایران ۱۰ سانت نشست داشته باشند. با برنامه ریزی و آموزش صحیح می توان بحران آب را مهار کرد.

جالبترین طنز انتخاباتی این دوره

به نقل از اهالی روستای گيجالی:

هفته پیش یکی از کاندیداهای مجلس اومد روستای ما

گفت چه مشکلاتی دارید؟ بگید تا حل کنم

گفتیم والا دوتا ☹ مشکل خیلی مهم داریم

اولیش اینه که گاز نداریم دومیش اینه که...

هنوز دومی رو نگفته بودیم که گفت صبر کنید

به بغل دستیش گفت اون موبایلو بده به من...

الو! سلام آقای گیتی فر، بنده الان در روستای گيجالی هستم و این مردم گاز ندارند، لطف کنید به دستور من براشون گازکشی انجام بدید...

جان؟... خواهش میکنم... کی؟... یک هفته بعد از انتخابات؟...

بله بله... پس من قول بدم از جانب شما؟... بسیار خوب.

گوشی رو قطع کرد. گفت این حل شد، حالا مشکل دوم رو بگید

گفتیم مشکل دوم اینه که اینجا آنتن موبایل کار نمیکنه و آنتن نداریم

خطرناکترین کار روی زمین

اگر به شما بودجه تحقیقاتی بدهند و بگویند برو قطب شمال برای تحقیقات آیا قبول میکنید؟

اگر به شما بودجه بدهند و بگویند به تنهایی روی مارهای سمی تحقیقات کن قبول میکنید؟

خیلی از کارها وجود دارند که اگر با بودجه زیاد به ما پیشنهاد شود هرگز قبول نمی کنیم چرا؟ چون بسیار خطرناکند!!

سندیکاهای کارگری برای بودجه خود ماهیانه حق عضویت جمع آوری می کنند، یقیناً این بودجه یکی از خطرناکترین بودجه های جهان محسوب می شود

به دو دلیل عمده: ۱- تمام این بودجه تا آخر باید صرف مبارزه با غول سرمایه داری بی رحم بشود ، و چنین جنگ نابرابری دل شیر می خواهد ، ۲- کسی که این بودجه را دریافت میکند ، باید با وسواس زیادی خرج کند ، چرا که کارگران از نان زن و بچه خود زده اند تا این مبلغ به ظاهر کم حق عضویت ماهیانه را پرداخت کنند . که البته در مجموع اعضا مبلغ زیادی خواهد شد، پس کارگران تک به تک بر آن نظارت خواهند کرد.

اگر اسراف ریخ بده یا خدای ناکرده سو استفاده ای رخ بدهد بشدت برخورد خواهند کرد و آبروی چند ساله شخص خاطی به خطر خواهد افتاد .

سوال اینجاست که شما چقدر باید توانمند و قوی باشید تا جرات کنید بودجه سندیکایی قبول کنید ؟ هم کارت را درست انجام داده باشی و هم کم نیاری و هم جوابگو باشی.

افشین افشینی کارگر فلزکار

داستان همیشگی زندگی کارگران جوان

یک بار دزدکی با هم رفتیم سینما و من دو ساعت تمام به جای فیلم او را تماشا کردم. دو سال گذشت. جیب هایم خالی بود و من هنوز عاشق فروغ بودم. گرسنگی از یادم رفته بود.

یک روز فروغ پرسید: «کی ازدواج می کنیم؟»

گفتم: «اگر ازدواج کردیم دیگر به جای تو باید به قبض های آب و برق و تلفن و قسط های عقب افتاده بانک و تعمیر کولر آبی و بخاری و آبگرمکن و اجاره نامه و شغل دوم و سوم و دویدن دنبال یک لقمه نان از کله سحر تا بوق سگ و گرسنگی و جیب های خالی و خستگی و کسالت و تکرار و تکرار و تکرار و مرگ فکر کنم و تو به جای عشق باید دنبال آشپزی و خیاطی و جارو و شستن و خرید و میهمانی و نق و نوق بچه و ماشین لباسشویی و جارو برقی و اتو و فریزر باشی.

هر دومان یخ می زنیم. بیشتر از حالا پیش همیم اما کمتر از حالا همدیگر را می بینیم. نمی توانیم ببینیم. فرصت حرف زدن با هم را نداریم. در سیاله زندگی دست و پا می زنیم، غرق می شویم و جز دلسوزی برای یک دیگر کاری از دستان ساخته نیست. عشق از یادمان می رود و گرسنگی جایش را می گیرد!...

از زنانی که محدودیت‌ها را کنار می‌زنند بیاموزیم!!



سارا خادم الشریعه توانست عنوان استاد بین المللی شطرنج را به دست آورد. عنوانی که فقط مردها داشته اند.



مریم طوسی معروف به دختر باد، دونده با ارزش کشورمان که با تمام شرایط سخت و کمبود امکانات و در سکوت خاص خبری، با پوشش کاملاً اسلامی، بدون گرفتن هیچ دستمزد و دلگرمی بازهم برای سومین بار قهرمان آسیا شد و رکورد آسیا را هم جابجا کرد. از این بانوی قهرمان به خاطر تلاشش تشکر می‌کنیم.

(خدا قوت قهرمان)

رئیس دولت «هولند»



اینجا ایران است
صدای ما را از داخل ایران میشنوید

رئیس جمهور «ترکیه»





کوشندگان تا به آخر استوار

بزرگی به نام کوچکی

۱۷ - ۱۸ ساله بودم ، تازه شلواردوز کارمزد شده بودم، هنوز باید توی صورتم به دنبال یک دانه مو به عنوان ریش می گشتم تا با تیغ به جانش بیافتم و مرد شدن را به خودم ثابت کنم.

توی خیابان لاله زارنو، در خیاطی دیبا کار می کردم. محل خیاطی در پاساژ گل، که چندان هم گل نبود ، واقع شده بود. این پاساژ مفتخر به این بود که اضافه بر کافه سوسن که در زیرزمین بود، رستوران آقا رضا سهیلا که عرق فروشی معروفی هم بود، در آن واقع شده بود. خوراک بره ها و غذایهای آقا رضا سهیلا به حدی معروف بود که از شمال شهر به سراغش می آمدند و برای مهمانیها می بردند. از ساعت ۶ بعدازظهر صدای موسیقی کوچه بازاری کافه سوسن تا طبقات بالا می آمد . کف پاساژ اکثر مغازه ها عرق فروشی بود و کافه رستوران سهیلا در مرکز آن مغازه بزرگی در انتهای پاساژ بود.

من آن زمان تحت تاثیر افکار مبارزین سالهای ۳۰ بودم. هوشنگ قلعه نوعی، بهنام، امیر عمر و...دوستان سندیکایی هرکدام رد پای روی ذهن من گذاشته

بودند. تاثیر کتابهایی که آنها به من داده بودند با خاطراتی به صورت شفاهی برای من تعریف شده بود ، بزرگترین اندوخته ذهن من بود.

طبقات بالای پاساژ گل اکثرا خیاطی و تک و توکی بافندگی و کفاشی بود. راهروهای قدیمی ساختمان بوی کهنگی داشت و نظافت در آن دیده نمی شد . اتوها ذغالی و حمام هفته به هفته و عرق کردن ضمن کار ، در آخر هفته ها ما را تبدیل به حاجی فیروز می کرد ، البته تابستان ها بیشتر.

بالکن مغازه خیاطی دیبا روبروی کوچه مدرسه ژندارک بود .

گاهی اوقات که خسته می شدیم با دوستانم موقعی که کارفرما نبود ، روی بالکن می رفتیم و من همیشه با حسرت مجسم می کردم که چه شخصیت هایی در این مدرسه درس خوانده اند و چه موقعیت های اجتماعی بالایی بدست آورده اند. نیما یوشیج و بسیاری از شاعران و هنرمندان کشور و رجال سیاسی دوران ابتدایی تحصیلشان را آنجا گذرانده بودند.

آن زمان با موسسات فرهنگی گوناگونی تماس داشتیم. انجمن های ادبی، درویش نعمت الهی، کلیسای انجیلی تهران و قرائتخانه نور. انجمن فرهنگی ایران و شوروی یک کتابخانه کوچک نبش خیابان قوام سلطنه داشت. از آنجا خبرنامه هایی می گرفتم که اضافه بر تبلیغ وضعیت شوروی در مورد هنرمندان و شخصیت های ادبی و فرهنگی ایرانی و کشورهای عضو اتحاد شوروی نوشته می شد. در یکی از خبرنامه ها عکس یک دختر زیبای روس چاپ شده بود که روی روسری قشنگ او قطعات برف نشسته بود. من این عکس را کنار میز خودم روی دیوار نصب کرده بودم و اکثرا سعی داشتم یک شاخه گل کنار او اضافه کنم. شاید تنها گلی که در آن پاساژ بزرگ همیشه بود. گوشه پارچه سفیدی که روی لباس می انداختم و اتو کاری می کردیم (پارچه اتو) اغلب داس و چکش می کشیدم به این وسیله در خیال خودم به مبارزین سالهای پر التهاب دهه ۳۰ عرض ارادت می کردم.

فیلم سینمایی شکوه علفزار با هنرنمایی جذابترین ستاره های سینمایی امریکا، ناتالی وود و وارون بیتی روی صحنه آمده بود. عاشقانه ای زیبا که انسان را مبهوت می کرد. من سه بار این فیلم را دیده بودم و دوستانم را تشویق به دیدن این فیلم کرده گاهی همراه خود برده بودم. یک روز مرد میانسالی که تا به حال ندیده بودم به کارگاه آمد او صحبت کنان همراه کارفرما از دفتر یا مغازه نزد ما آمد. احوال پرسى و گفتگو با لهجه غلیظ گیلکی داشت. چشمش به پارچه اتوی من افتاد. حس کردم لبخند ظریفی کنج لبش نشست. روی یکی از میزهای خیاطی نشست و در حالی که به من نگاه عمیقی انداخته بود، پرسید: حتما فیلم شکوه علفزار را دیده ای؟ گفتم: بله شما از کجا می دانید؟ گفت: همه جوانها به دیدن این فیلم می روند از نظر شما چگونه فیلمی است؟ گفتم: عاشقانه و بازی بازیگران خیلی خوب. گفت: دیگر چی؟ گفتم و فکر کردم و گفتم همین. شکست در عشق. گفتم جدایی اجباری برای من تعجب آور بود. آن مرد میانسال تفسیر یک فیلم عاشقانه را از من می خواست. ایشان گفت: این فیلم تنها یک عاشقانه ای که با شکست عشق دو جان به آخر برسد نیست کارگردان آن الیوکازان فیلم ساز بزرگ امریکایی هدفش از ساختن این فیلم نشان دادن بحران بزرگ اقتصادی دهه ۳۰ میلادی در آمریکا و تاثیر وحشتناک آن بر زندگی مردم است.

آن مرد میانسال آقای کوچکی بود. ایشان در طبقه دوم پاساژ مغازه کوچکی داشت. از فیلم شکوه علفزار شروع و تاثیر اقتصاد بر زندگی روح و روان آدمیان را، فرازهای بزرگ تاریخ را، ساخته شدن شخصیت های بزرگ تاریخ مثبت و منفی را آموزش می داد. آنچه را که اقتصاد بر سر آدمیان آورده است در حد بضاعت ذهن من و قدرت درک یک شاگرد خیاطی که آرزوی مدرسه رفتن به دلش مانده و با کتابهای مکتب خانه ای خواندن و نوشتن یاد گرفته. مدت ۴ الی ۵ سال مستقیما و با فاصله های کوتاه با ایشان تماس داشتم و با گفتگو در باره تاریخ، اقتصاد، و رشد عدالت اجتماعی صحبت داشتم. رفتار متین ایشان و صبر و بردباری او در مقابل اظهار نظرهای کج و کوله من

مثال زدنی بود. ایشان اصرار نداشت موضوعی که برای ذهن ما سنگین است در مرحله اول فهمیده شود. طرح موضوع می کرد و نتیجه گیری را به عهده شوق و علاقه ما و تحقیق درباره موضوع می گذاشت تا سرانجام معنای مهم موضوع به خورد ذهن ما رفته باشد و تا حد ممکن درک کرده باشد. دوستان دیگری هم بودند که مثل من علاقه داشتند با آقای کوچکی هم کلام شوند از جمله کت دوز با سلیقه ای که اهل رشت بود. از من مسن تر بود. اندام درشتی داشت و چهاراش شبیه چینی ها بود به همین خاطر به او احمد چینی یا احمد مائو می گفتند. بحث هایی که آقای کوچکی مطرح می کرد اغلب من و احمد چینی حلاجی می کردیم. شبیهایی که مجبور بودیم در محل سندیکا اعلامیه ها را بادیست بنویسیم، مسایل نظری که توسط آقای کوچکی مطرح شده بود را تجزیه و تحلیل می کردیم. آن زمان چاپ اعلامیه های هیات مدیره سندیکا‌های مستقل را ساواک ممنوع کرده بود. چاپخانه ها جرات نمی کردند اعلامیه های ما را چاپ کنند. ما چهار کاربن می گذاشتیم و با دست نویسی هرکدام شبی پنجاه برگ اعلامیه می نوشتیم. روی هم اعضای کمیسیون تشکیلات سندیکا که هفت نفر بودند، می توانستند صدها اعلامیه را تکثیر کنند.

پاساژگل یک قهوه خانه داشت که شاگرد قهوه چی روزی چند بار با یک سینی برای ما چای می آورد و آخر هفته حساب می کرد و پول چایی را می گرفت. یک دوره پسرجوانی چای می آورد که چهره زیبایی داشت. فرزند و چغری بود و با هوش. فرصت پیدا می کرد پیش ما می ماند و بعضی وقت ها در بحث های سیاسی هم شرکت می کرد. یکبار البته در گوشی گفت: «آقای کوچکی تحت مراقبت است. گفتم: از کجا می دانی؟ گفت: از پله ها که پیچیدم به طبقه سوم که مغازه ایشان است، دیدم مرد درشت اندامی نشسته و از سوراخ کلید داخل مغازه را نگاه می کند. صدای پای مرا که شنید، بلند شد ایستاد و گفت: مثل اینکه نیستند و من در زدم که باز شد و آقای کوچکی با سه نفر دیگر نشسته بودند و صحبت می کردند. جالب این بود که مردی که گوش ایستاده بود رفت.» ما به موضوع حساس شدیم. من از احمد چینی که از

گذشته آقای کوچکی اطلاع کمی داشت پرسیدم. او می گفت: «آقای کوچکی فعال سیاسی بوده و در شهر رشت به عنوان یک فرد چپ شناخته شده بود. روز ۲۸ مرداد ۳۲ مغازه اش را آتش می زنند و او فرار کرده و مدتها مخفی بوده تا آنها از آسیاب بیافتد و بعد توانسته در تهران بماند و مغازه ای در طبقه سوم پاساژ گل داشته باشد.» البته قصه هایی هم از سختی های فرار و دوران مخفی ایشان گفت که شبیه فیلم های سیاسی جنایی بود و نشان می داد که این مرد پخته و دانا چه اندازه رنج کشیده و چه فداکاری ها در حق دوستان دیگرش که در خطر بودند انجام داده است. قهوه چی هم مثل ما شیفته آقای کوچکی شده بود. احترامی که آقای کوچکی به او می گذاشت و حمایتی که فکری و عملی از او می کرد این شیفتگی را در مد رضا (محمدرضا که ما تنبلانه می گفتیم مدرضا) بوجود آورده بود. مد رضا یک روز با یک سینی چای نیمه داغ به طبقه سوم وارد می شود و می بیند فرد دیگری پشت در مغازه آقای کوچکی دولا شده و از سوراخ کلید داخل را نگاه می کند. مدرضا آرام بالای سر آن فرد ساواکی می رود و وقتی مرد ساواکی بلند می شود سرش به سینی چای خورده و چای نیمه داغ تمامی هیکل او و کراوات خوشگلش را خیس می کند.

ساواکی یک سیلی به مدرضا زده و با لباس خیس و بدن گر گرفته سریع از صحنه دور می شود. وقتی ما سر و صدای مدرضا را شنیدیم و از پله ها بالا میرفتیم مرد شیک پوشی را دیدیم که سراپا خیس بود، سرخ شده یک ریز فحش می داد و به سرعت از پله ها پایین می رفت. مدرضا هم مرتب می گفت: «تقصیر خودته چرا منو می زنی؟» البته مدرضا قبلا گفته بود اگه یه بار دیگه یارو رو پشت در مغازه آقای کوچکی ببینم همین کار را خواهم کرد.

روبروی پاساژ گل و بالاتر از کوچه ژاندارک در یک بالا خانه قدیمی ساز، تابلوی خیاطی ناظمی به چشم می خورد. آقای ناظمی پیرمرد لاغر اندامی بود که چهره اش می توانست تابلوی مجسمی از رنج و ستمی باشد که عمری تحمل

کرده وحتا کراواتش به حدی به فلاکت افتاده بود که نشان می داد طبق عادت بسته شده و برای تحمل و همزیستی رنج آلود با آقای ناظمی همراه است.

یک روز دیدیم اثنائیه آقای ناظمی را افرادی در معیت پلیس از پله ها پایین می آورند. رفتیم پایین معلوم شد مالک ساختمان به خاطر اجاره عقب افتاده حکم تخلیه گرفته و با حضور پلیس و یکی از اقوام ناظمی مغازه را تخلیه می کنند. آقای کوچکی با هر تمهیدی بود آقای ناظمی را پیدا کرد. ایشان نتوانسته بود حضور پیدا کند و گوشه کناری در خودش فرو رفته بود که فامیلشان پیدایش کرده بود. آقای کوچکی با پلیس و کلانتری و مالک صحبت کرد و ۲۴ ساعت مهلت گرفت. توسط علی پژمان که از خیاط های موفق و قدرتمند صنف بود، خیاط ها را توی مغازه خیاطی محمود ویلسون جمع کرد و بدهی آقای ناظمی را پرداخته و کارگاهش را دوباره برپا کردند.

دو روزی که آقای کوچکی سرگرم سازماندهی خیاطان برای رفع گرفتاری آقای ناظمی بود چهره اش طوری بود که نمی شد با او صحبت کرد. تنها از بیشعوری و بی غیرتی می نالید. او از بی شعوری و بی غیرتی همه می نالید نه از آقای ناظمی. آن زمان خوب نمی فهمیدیم بی شعوری و بی غیرتی ملت و دولت تا چه اندازه می تواند خطرناک و فاجعه بار باشد. زمان لازم بود که این مصیبت را تجربه کنیم.

انقلاب که شد احمد چینی را دیدم. سراغ آقای کوچکی را گرفتم گفت مدیر انتشارات دنیا شده برای من تعجب آور نبود، آقای کوچکی دانش اداره انتشارات بزرگ را داشت.

سال بعد احمد گفت به انتشارات دنیا حمله کردند و آقای کوچکی زندانی شده است. این هم تعجب آور نبود چرا که ما در همان شرایطی بودیم که بودیم. رشد شعور سیاسی و پیدا کردن غیرت عالمانه - اجتماعی آقای کوچکی هنوز بدست نیامده بود.

سالها بعد در اتحادیه خیاطان مسئله ای پیش آمده بود که باعث شد ما در مغازه آقای درویان جمع شویم. آقای کوچکی آمد. چهره سالخورده من برایش تعجب آور بود. این بار هم رابطه ما مدتی ادامه داشت. من متوجه شدم که اکثر فعالیت سندیکاهای مستقل توسط کوچکی و دوستانش آقایان گودرزی، درویان و دوستان دیگر مشاوره و هدایت می شدند.

آنها به تجربه سندیکایی دوران قبل یعنی دهه سی اکتفا نمی کردند، بلکه سعی داشتند فعالان سیاسی را از طریق ترجمه ها و آثار ادبیات اجتماعی جهانی هدایت کنند. تجربه نشان داده که اگر انسان یک اثر ادبی یا علمی را به تنهایی مطالعه کند تنها بخش کوچکی از آن را می تواند درک کند ولی اگر در جمع های کوچک این کتاب علمی یا اثر ادبی به بحث گذاشته شود درک آن عمیق تر خواهد شد. آقای کوچکی و دوستانش این گونه کارگران جوان سندیکایی را مجهز می کردند. ما تنها قدرت و صلابت رهبرانی مانند حسن بستچی، جعفر عظیمی، علی جعفری، صادق رشتی.. و دیگر فعالان سندیکایی را می دیدیم در حالی که این همه توانایی در حل و فصل مشکلات بدون توجه و اتکا به تجربه نخبگان و اندیشه ورزان گذشته و حال ممکن نبود.

رضا کنگرانی فراهانی عضو هیات مدیره سابق سندیکای کارگران خیاط

« طبقه کارگر با آموزش و سازماندهی در
سندیکاهای خود پیروزمند و سربلند است، »

پیکر ها بر خاک ، آرمان ها بر پاست

کوشندگان کارگری تا به آخر استوار



حیاتقلی فرزانه، مبارزی از نسل اول سندیکالیست‌های ایران

حیاتقلی فرزانه از دوران جوانی به کار در کارگاه‌های مختلف مشغول شد و پس از چندی در صنعت نفت به عنوان کارگر پالایشگاه به استخدام شرکت نفت انگلیس درآمد. خیلی زود با مبارزان سندیکایی آشنا شد و در مکتب آن درس مبارزه را آموخت. وی از زمره فعالان کارگری نفت بود که پس از آشنایی با علی امید و یاران او، فعالیت سندیکایی را آغاز کرد و در سازماندهی حرکات اعتراضی و اعتصاب‌ها نقش بارزی داشت. با سقوط دیکتاتوری رضا خان، رفیق حیاتقلی فرزانه پیکار خود برای سعادت زحمتکشان را ادامه داد. او در تشکیل سندیکای کارگران نفت خوزستان همراه با رفقای قهرمان علی امید، منوچهر مصلح و رمضان کاوه همکاری مؤثری نمود. بعلاوه او از نخستین کادرها و مسئولان شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران بود. یکی دیگر از جنبه‌های به یاد ماندنی مبارزه این کارگر سندیکالیست مجرب و توانا، شرکت در سازماندهی اعتصاب بزرگ و پُرشکوه کارگران سراسر استان خوزستان در تیر ماه سال ۱۳۲۵ است. او از سازمانگران اصلی اعتصاب پالایشگاه آبادان در تیرماه

سال ۱۳۲۵ بود که به مدت ۳ روز ادامه داشت و در جریان آن با حمله نیروهای نظامی و عمال انگلیس، در کنار دیگر کارگران به شهادت رسید. در این اعتصاب بر اثر حمله اوباش مسلح وابسته به فئودال‌ها، روحانیون وابسته به شرکت نفت انگلیس و نیروی دریایی انگلیس در کنار واحدهای نظامی ارتش شاه، ۵ کارگر از جمله رفیق شهید حیاتی‌قلی فرزانه به شهادت رسیدند و ۱۶۵ کارگر دیگر زخمی شدند.

اسداله کاریجانی کارگر کفاش



اسداله کاریجانی کارگر کفاش و عضو سندیکای کارگران کفاش تهران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ در سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۲۷ او به عنوان یکی از کادرهای مجرب سندیکای کارگران کفاش در ادامه حیات و مبارزه سندیکا‌های کارگران صنوف بویژه صنف کفاش نقش فوق العاده با ارزشی ایفا کرد. حضور جوانانی مانند او در سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه، به کارایی و انسجام این تشکل و در مجموعه سندیکا‌های کارگران صنوف می‌افزود. وی از اعتبار و احترام در میان کارگران جوان و همه کارگران صنف کفاش تهران برخوردار باشد.

سرانجام در جریان گردهمایی روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ در میدان بهارستان تهران هنگامیکه او همراه با گروه بزرگی از کارگران صنف‌های گوناگون در آن شرکت داشت، با گلوله ارتش شاه کشته شد.

محمد علی کارگر

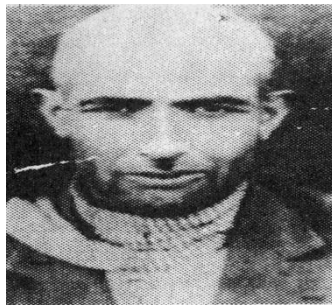


محمد علی کارگر در سال ۱۳۰۴ در روستای کنزق در اردبیل، بخش سرعین متولد شد. از دوران نوجوانی به شغل کارگری روی آورد و خیلی زود به استخدام راه آهن درآمد. او یکی از فعالان جوان و پُرشور سندیکای کارگران راه آهن بود و در سال‌های ابتدایی دهه بیست نقش بارزی در حرکت سنجیده کانون کارگران راه آهن به سمت وحدت جنبش سندیکایی و تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران در سال ۱۳۲۳ سندیکایی بر عهده داشت. با تشکیل شورای متحده مرکزی فعالیت‌های محمد علی کارگر در مسایل سندیکایی گسترش یافت. او به مثابه یکی از کادرهای شورای متحده مرکزی بویژه در سازماندهی و ارتقاء سطح مبارزاتی سندیکای کارگران راه آهن ایران کوشا بود. محمد علی کارگر یکی از فعالین برگزاری کنفرانس عمومی کارگران توسط شورای متحده مرکزی در تیر ماه سال ۱۳۲۳ در خیابان فردوسی تهران بود.

در سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۲۵ او بارها مورد پیگرد قرار گرفت و از سوی کارفرمایان تهدید شد. در همین سال‌ها کارفرما و رئیس انبار کالاهای تهران او را تهدید کرده بودند. اوباش و لومپن‌ها با تحریک مدیران راه آهن و انبار کالایی چندین بار او را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا از این طریق مانع

فعالیت‌های این کارگر قهرمان در میان کارگران شوند. فعالیت خستگی‌ناپذیر او خار چشم مرتجعان و سرمایه‌داران بود.

سرانجام با توطئه عوامل وابسته به دربار و کارفرمایان و به دست اراندل و اوباش اجیر شده، رفیق قهرمان محمد علی کارگر روز ۲۶ فروردین سال ۱۳۳۰ هنگامیکه چهل روز بیشتر از ازدواجش نمی‌گذشت، توسط اوباش مورد ضرب و شتم قرار گرفت و سپس او را میان دو واگن قطار قرار دادند و بطرز وحشیانه به قتل رساندند تا صدای حق طلبانه کارگران را خاموش سازند.



برات علی بزدوده، کارگر جوان و سندیکالیست استوار

برات علی بزدوده در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در آذربایجان متولد شد. از طریق خانواده با اندیشه‌های نو و آرمان‌های کارگری آشنا شد. از همان دوران نوجوانی به کار اشتغال یافت و در مراکز مختلف از جمله سیلو و انبار کالا به عنوان کارگر استخدام شد. فعالیت و مبارزه سندیکایی را نیز خیلی زود آغاز کرد؛ در انبار کالای تهران از فعالین اصلی سندیکایی کارگران این واحد بود. او در کلیه حرکات از تحصن تا امضاء نامه سرگشاده در بیان حقوق کارگران بویژه کارگران سیلو و انبار کالا تهران فعالانه حضور داشت. سرانجام در ۱۷ آذر ماه ۱۳۲۳، یعنی هنگامیکه او جوانی ۲۳ ساله بود، در

جریان اعتصاب کارگران انبار کالا تهران به ضرب گلوله ارتش ضدکارگری از پای درآمد و به شهادت رسید؛ او از فعالین اعتصاب بود و ماموران به دستور فرمانده خود قلب او را نشانه گرفتند.

معمار حسین رحیمی



معمار حسین رحیمی از کارگرانی بود که قبل از سال ۱۳۳۲ در سندیکای کارگران بنا عضو شد و بعدها در دهه ۵۰ از کوشندگان کارگری سندیکای بنایان تهران بود. حسین رحیمی مانند همه کوشندگان سندیکایی در میان کارگران بسیار محبوب بود. محبوبیتش به دلیل حمایت بی دریغ از منافع کارگران در مقابل پیمانکاران و دولت ضد کارگری شاه بود. حسین رحیمی در سازماندهی که از طرف سندیکای بنایان تهران در روزهای توفانی انقلاب داده شد با پسرانش در تسخیر شهر بانی مرکز کوشش نمود. او تا دم مرگ دغدغه و بهروزی کارگران را داشت از اندیشه های کارگریش لحظه ای عقب نشینی نکرد.



آقای محمد پروین «مکانیسین» از نویسندگان
مبارز و مدافعین سرسخت طبقه کارگر است، گذشته
از آنکه اطلاعات وسیعی در امور کارگری و سندیکائی
دارند دهها سال در اتحادیه‌های کارگری عملاً
فعالیت نموده، تجربه‌های ذیقیمتی در اینمورد
اندوخته‌اند.

ضمن نویسندگی در روزنامه‌ها و انتشار
نشریه‌های متعدد کتابی هم بنام «معلومات اقتصادی
و سیاسی» تألیف و منتشر نموده‌اند.

در رشته فلسفی و اقتصادی و اجتماعی
مطالعات زیادی نموده و بواسطه اشتغال بکار فنی
در کارخانجات بوضع طبقه کارگر و روحیه آنان
وقوف کامل دارند. امیدوار است مقالات علمی و
تجربیه نویسنده ارجمندها مورد استفاده کارگران
و سندیکاها واقع گردد. ش.ن. «پاها»

مهری گیلک پور، کوشنده سندیکایی و حقوق زنان کارگر

یکی از دستاوردهای سترگ جنبش سندیکایی و کارگری ایران، به میدان آوردن زنان به عنوان نیمی از جامعه بوده است. جنبش کارگری و سندیکایی از اولین سازمان‌هایی بوده‌اند که به زنان حقوق اجتماعی و شهروندی‌شان را آموزش داده و به آنان حق شرکت در مسایل سیاسی و صنفی را قایل شده‌اند.

در سال ۱۳۲۹ مهری گیلک پور کارگر کارخانه چیت سازی ری نماینده کارگران زن شد. او برای زنان باردار و بچه‌دار اتاقی را از کارفرما گرفت و به کودکان شیر خوار اختصاص داد که هر ۲ ساعت یکبار برای شیر دادن کودکان استفاده شود، و شیر برای مادران شیرده و قسمت بافت کارخانه. این حقوق که برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی گرفته شد و تا قبل از کودتای سال ۱۳۳۲ برقرار بود، بعدها در دهه چهل، این حقوق توسط حکومت کارگر گش پهلوی بصورت پیشکشی ملوکانه اعطا شد.

کارگران زن کارخانه نساجی چیت ری هرگز نام مهری گیلک پور را از یاد نبردند. مهری گیلک پور که عضو شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران بود به وظیفه کارگری خود عمل کرد. او مسوول آزمایشگاه کارخانه چیت ری بود و همچون برادران و خواهران کارگرش زندگی سختی داشت، اما هرگز از وظایف کارگری خود غافل نماند.

این دستاورد که برای اولین بار توسط یک نماینده کارگر زن گرفته شد در دهه چهل برای همه ادارات دولتی و ارتش و کارخانه‌های بزرگ اجباری شد. گیلک پور و شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران برای چندمین بار ثابت کردند که در مبارزه خود برای بهبود وضعیت زحمتکشان و مردم ایران دستاوردهایشان تنها به خودشان تعلق ندارد بلکه دستاورد طبقه کارگر، برای بهبود وضعیت همه مردم خواهد بود.

درخواست از خوانندگان لطفاً عکس و یا هرگونه اطلاعی از زندگینامه مهری گیلک پور دارید به نشانی ما ارسال کنید!



کارگری شغل شرافتمندانه‌ای است
انسان نان بازوهایش را میخورد
هرچند خیلی وقت‌ها
گرسنه مانده‌ام
دروغ و ناسزا شنیده‌ام
بیکار بوده‌ام
اما هرگز حاضر نیستم
در ساختمانی کار کنم که قرار است
روزی بر سر در آن بنویسند:
"زندان مرکزی"

.....سایر ها‌کا